

راه توده

شهره‌ها از آن حریت‌توده ایران در خارج از کشور

شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۲ مطابق
۹ آوریل ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۸۷
پهنا: ۱۰ سانتی‌متر

در جمهوری اسلامی خواندن روزنامه‌های آزاد نیز جرم است به کار بردن "تعزیر" و "تقتیل" شیوه‌های معمول در "دانشگاه" اوین!

روزنامه‌های مجاز و... از آن عواملی است که روی‌گردانی مردم را از امر انتخابات شدت می‌بخشد و پنبه تبلیغات گسترده و ملتسانه سران حاکمیت را برای جلب آراء مردم، رشته می‌کند.
اکنون بیش از ۸۵۰ توده‌ای در شکنجه‌گاه‌های مخوف جمهوری اسلامی اسیرند. جرم اکثریت مطلق آنان به اعتبار اعترافات مراجع مسؤل و قضایی جمهوری اسلامی معلوم نیست. چندی پیش از جانب شورای عالی قضایی بقیه در صفحه ۱۵

سکوت حاکمیت سرکوبگر جمهوری اسلامی در اعلام احکام فرمایشی و از پیش تعیین شده توده‌ای‌های محاکمه شده، همچنان ادامه دارد. این سکوت افشاگر که خود برنشانه‌های بسیاری دلالت دارد، از آن بیم زبونان‌های ناشی می‌شود که حاکمیت جمهوری اسلامی را برای زدودن زنگار "بی‌تفاوتی" ها، "دلسردی‌ها" و عدم استقبال مردم از نمایشات مسخره انتخاباتی به تقلا واداشته است. برگزاری علنی "دادگاه" ها، اعلام برپایی آنها، انتشار اخبار پخشنامه وار احکام فرمایشی توده‌ای‌های محاکمه شده در

رأی منفی به سیاست ایران بر بادده حاکمیت ج!

پاسخ مردم به اعمال سیاست‌های وابستگی آور، جنایت بار و خائنانه ج.ا.ه اینست: نه!

با تزویج شدن تاریخ برگزاری "انتخابات" عصیبت سران حاکمیت جمهوری اسلامی نیز هر روز آشکارتر می‌شود.
مضمون تبلیغی - تهدید کننده و تحریک‌گر سخنگویان ریز و درشت حاکمیت، همچنان بر محور "لزوم شرکت آحاد مردم" در انتخابات می‌گردد. اینجا دیگر "امت مسلمان"، "افراد حزب الهی" و "نورچشمی‌هایی که رسالت برپا کردن جامعه "منطبق بر موازین اسلامی" را بردوش می‌کشند، به پشت صحنه منتقل شده‌اند و "آحاد مردم"، "همین زحمتکشان" و همه کسانی که انقلاب کردند به پیش صحنه فراخوانده می‌شوند و مورد تشویق و تهدید و تحریک قرار می‌گیرند تا در انتخابات شرکت کنند. اینجا دیگر "امت مسلمان" و "حزب الهی" بر "مردم" برتری ندارند.

از این رو سران حاکمیت از بیم فرو افتادن شمشیر داموکلس بی‌اعتنایی مردم به "انتخابات" می‌کوشند کشمکش‌های خود را بر سر قدرت زیر حجابی از کلمات، دو پهلو بپوشانند. راستگرایان افراطی که مایل بودند با یک لیست از پیش تعیین شده، تکلیف تقسیم قدرت را پیش از "انتخابات" یک‌سره کنند (و به این خواست دست نیافتند) اکنون راه‌های دیگر دستیابی به آن را می‌آزمایند. آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور، "از حق" خبرگان در معرفی کاندیدا دفاع می‌کند و می‌گوید:

بقیه در صفحه ۲

شعر "از" انوشه" تا "افضلی"

سیاوش کسرانی - ۱۰ اسفند ۱۳۶۲

در صفحه ۲

اظهاریه انجمن جهانی حقوق دانان دمکرات درباره فجایع دستگاه حاکمه ایران

پیش و پس از سقوط رژیم شاه - نشان داده است؛ انجمن در اظهاریه مورخ ۲۰ اکتبر ۱۳۸۱ خود برضد نقض فاحش حقوق بشر در ایران پس از استقرار جمهوری اسلامی که به شکل انهدام فیزیکی در زندان‌ها، تیرباران‌های برق‌آسا و محکومیت‌های به اعدام بدون رعایت اصول قضایی تجسم یافته، اعتراض کرده است.
- انجمن در نامه مورخ ۱۲ نوامبر ۱۳۸۱ خود به سفارت جمهوری اسلامی در پاریس متذکر گردیده بقیه در صفحه ۱۱

انجمن جهانی حقوق دانان دمکرات اعلام می‌دارند:
- این انجمن به مدت سی سال در دوران فرمانروایی رژیم شاه برضد نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده و نمایندگان متعددی برای تحقیق در اوضاع اعزاز داشته و این نمایندگان در محاکمات مهمی که برضد اپوزیسیون ضد رژیم جریان داشته شرکت داشته‌اند.
- انجمن بارها و به مناسبات گوناگون مداخله و هم‌یاری خود را با جنبش انقلابی در ایران -

حقوق ویژه زنان کارگر در پیش نویس جدید قانون کار نادیده گرفته شده است

در صفحه ۸

به یاد قیام دلیرانه مردم آذربایجان و خراسان

صفحه ۱

در صفحات بعد

پیرامون سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران

صفحه ۵

خاطره شهید قهرمان قاضی محمد رهبر بزرگ خلق کرد گرامی باد!

صفحه ۹

قانون کار مترقی، آئینه انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان

صفحه ۷

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

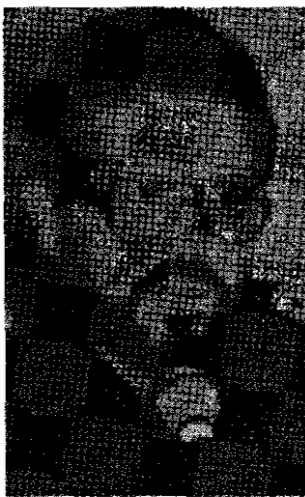
رای منفی به سیاست

بقیه از صفحه ۱

"... هر آدمی ولو به یک طبیب هم بخواهد مراجعه کند، سعی می‌کند او را بشناسد... چه مانعی دارد که مردم برای شناسایی آدم‌های صالح به کسانی مراجعه کنند که خبرویت این کار را دارند (روزنامه جمهوری اسلامی - ۹ فروردین ۶۲). اما موضع زحمتکشان در برابر این نمایشات و سخن پردازی‌ها روشن است. آنان که هر روز نتایج ویرانگر اعمال سیاست‌های ضد مردمی و ضد ملی حاکمیت جمهوری اسلامی را به چشم می‌بینند و از این رو جدایی و نفرت خود را از آن‌ها به راه‌های گوناگون ابراز می‌کنند، با این لفاظی‌ها و مثل و حکمت‌های عوام‌فریبانه که نیات قدرت طلبانه جناح‌های حاکمیت را در خود پنهان دارد، غافلگیر نمی‌شوند. آنان نه با ادعاهای دروغین "انتخابات آزاد" فریب می‌خورند و نه به اجر دنیوی و اخروی "لزوم شرکت آحاد مردم" و "دانشجویان و دانشگاه" در آن پاور دارند. آنان می‌دانند سخن‌پردازی‌های رییس جمهور مبنی بر اینکه "نباید این شیوه که افتات هرکس ملازم با نفی دیکریت" رواج پیدا کند، جز ادعایی پوچ و مزورانه چیز دیگری نیست. آنان این واعظان غیرمتعظ را به عنوان مروجان اصلی و "بنیانگذاران" این شیوه‌پس از انقلاب می‌شناسند؛ کسانی که تنها با "نفی دیگران" با به زنجیر کشیدن "دیگران"، با "تودهنی زدن" به "دیگران" با "سرجای خود" نشانیدن "دیگران" و خفه کردن صداهای حق طلبانه "دیگران" محملی برای حیات چند روز بیشتر خود دست و پا کرده‌اند.

رای منفی‌ای که زحمتکشان میهن ما به صندوق‌ها خواهند ریخت از چنین شناختی ناشی می‌شود؛ رأیی است برای پایان بخشیدن به جنگ خانمان برانداز و سود بخش برای امپریالیسم؛ رأیی است برای پایان دادن به جنگ برادرکشی در کردستان؛ رأیی است برای آزادی زندانیان سیاسی ضد امپریالیست که به خاطر خواندن روزنامه‌های مجاز به زندان افکنده شده‌اند و باید به زور "تغزیر اسلامی" به "اسلام" آقایان "اعتقاد" بیاورند؛ رأیی است علیه سرکوب احزاب و سازمان‌های انقلابی؛ رأیی است علیه نقض حقوق زنان؛ رأیی است علیه بازپس گرفتن زمین از دهقانان؛ رأیی است علیه سیاست‌های خائفانه احمیای وابستگی به امپریالیسم و مستقر ساختن نظام منحل سرمایه‌داری و رأیی است علیه سیاست خارجی مزورانه نزدیکی به امپریالیسم آمریکا؛ رأیی است علیه شرکت در جنگ صلیبی ضد کمونیستی و ضد شوروی.

به عبارت دیگر دادن رای منفی در "انتخابات"، توصیه‌ای که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران در اعلامیه مشترک خود آن را مطرح ساختند، رأیی است علیه کل سیاست خائنین به انقلاب و پاسخی به نقض حقوق مردم و برپا دادن منافع ملی ایران



از "انوشه" تا "افضلی"

شب چراغ تو کور؟
جدائی، دریا دریاست
زورق تو کجاست؟!

مرغ دریا آشیان!
به کدام افق پریدی
"مروارید" یگانه!
در کدام صدف غنودی؟!

آه ای کبوتر طوق دارا
به کدام توده مه فروشدی
که سفیدپوشان
هر چه پا روی کشند
جز باد بدست ندارند؟!

من می‌گیرم، اما
در غریب مرغک دریا، باز پیامی است
گلخند "ناوی انوشه"
در دهان تو شکفت ناخدا
بمان بمان
که فردا
ما بهار را در آغوش می‌کشیم

من می‌گیرم و دریا
همچنان
موج بر موج می‌کوبد...

نه بدین "دم" و آن، "آن"
به سالیان،
نارام،
پشت چهره آرام،
بحر و بر،
پریدی
طومار علم و آزمون
در نور دیدی
و
توفنده دل
چونان موج
خروشان،
ماندی.

از سپیده تا شامگاه،
از غروب تا پگاه،
مرغان دریائی،
مژده می‌دادند،
چرا که ابر سترون بارید
رود خشک، جوشید
و دریای ساکن
غرید.

دریائیان را
شب چراغ دل تو، رهنما
و ساحل نشینان را
زورق سپید تو، امیدا

ناخدا! ناخدا! شب است

سیاوش کسرانی

۱۰ اسفند ۱۳۶۲

همبستگی پرشور جوانان کمونیست و مترقی سراسر جهان با حزب توده ایران

فرانسه، سازمان فداییان خلق ایران، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (فرانسه)، کمیته پذیرش مهاجرین سیاسی دمکرات ایرانی، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست سوریه، کارگران ترک در فرانسه، خواننده شد.

در این مراسم سرود و ترانه های انقلابی توسط گروه کر هواداران حزب توده ایران در پاریس اجرا گردید و با استقبال پرشور حاضرین مواجه شد.

تشکیل کمیته دفاع از زندانیان توده ای و دیگر دموکرات های در بند

روز ۱۹ ژانویه، اولین جلسه کمیته دفاع از زندانیان توده ای و دیگر دمکرات های در بند در شهر نانت با حضور نمایندگان حزب سوسیالیست فرانسه در این شهر، جنبش ضدژادپرستی و آپارتاید (بخش نانت)، سازمان دانشجویان کمونیست فرانسه در این شهر، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بخش نانت با پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه در نانت، سندیکای ت. ژ. ت. (نانت)، اتحادیه دانشجویان مترقی لنین در نانت، لیگ دانشجویان عراقی بخش نانت، دانشجویان کمونیست مراکش در نانت، سازمان دانشجویان افغانی در این شهر تشکیل شد.

این کمیته وظیفه روشن ساختن افکار عمومی در مورد وضع زندانیان سیاسی و افشای اختناق حاکم بر ایران را پیش روی خود قرار داده است.

شرکت کنندگان در جلسه، قطع هرگونه فشار علیه نیروهای دگراندیش، قطع شکنجه های جسمی بقیه در صفحه ۱۱



شب همبستگی

با زندانیان سیاسی ایران

روز ۱۶ مارس، مراسم باشکوهی به دعوت اعضاء و هواداران حزب توده ایران در فرانسه، در سالن تئاتر مالکوف برگزار گردید. ابتدا یکی از هواداران حزب طی سخنانی به تحلیل اوضاع کنونی ایران و علل سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی از جمله حزب توده ایران پرداخت و از کلیه نیروهای مترقی و دمکرات خواست تا صدای اعتراض خود را علیه دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام توده ای ها و فداییان و مجاهدین و سایر انقلابیون ایران، بلند کنند. سپس پیام های همبستگی از طرف حزب کمونیست

شعارهای پرشور، همبستگی خود را بسا حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران اعلام داشتند.

در این کنگره، اعضاء هیات نمایندگی ایران، به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی علیه دگراندیشان پرداختند و بین شرکت کنندگان صدا اعلامیه و پرشور توزیع گردید.

نمایندگان شرکت کننده، با ارسال کارت های اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی حمایت خود را از زندانیان توده ای و دیگر زندانیان سیاسی مترقی ایران داشتند و طی اعلامیه ای اقدامات جنایت کارانه سران جمهوری اسلامی را محکوم نمودند.

با فشاری غیرمسلوانه و اصرار پوجانه مسئولین سفارت خانه های جمهوری اسلامی (کشورهای رومانی) در بی اعتنائی به خواست های برحق سازمان ها، حزب و جمعیت های مترقی و سکراتیک بین المللی که مهر اییدی بربربرمنشی و قانون ستیزی رژیم حاکم بر میهن ماست، همچنان ادامه دارد. با این حال رج همبستگی و پشتیبانی از حزب توده ایران و فریاد اعتراض و خشم نفرت مردم مترقی جهان، نسبت به اعمال شکنجه، بازداشت های بیرقانونی برنهایی محاکمات رنجایشی، صدور احکام جابرانه و اعدام توده ای ها و میهن دوستان روز بروز با زتاب گسترده تری ریباید. "راه توده" ضمن پرورش ز این احزاب، سازمان ها و جمعیت ها، به خاطر عدم درج کامل اقدامات اعتراضی آنان - به علت نبود جا - گوشه ای از آن ها را به ناپ می رساند:

فرانسه

مراسم روزهای هشتم تا یازدهم ماه مارس، روزهای پرشکوه همبستگی جوانان کمونیست فرانسه و ۵۵ هیات نمایندگی سازمان های جوانان کمونیست و سازمان های مترقی جهان با حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران بود.

هیات نمایندگی سازمان جوانان توده ایران در کنگره سازمان جوانان کمونیست فرانسه با حضور ۱۵۰ نماینده از سراسر فرانسه و نمایندگان سازمان های بهائی و با شرکت رفیق "ژرژ مارش" دبیر اول حزب کمونیست فرانسه افتتاح شد، شرکت کرد.

هنگام معرفی هیات نمایندگی ایران، شرکت کنندگان از جا برخاسته و با مشت های گره کرده و

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

هشتم مارس، جلوه دیگری از همبستگی جهانی با زنان دمکرات زندانی ایران

امسال هشتم مارس، روز جهانی زن در اقصی نقاط جهان، نشانی از تجدید همبستگی زنان و نیروهای مترقی دنیا با زندانیان و به ویژه زنان زندانی ایران بود. زنان مبارز و آگاه، ضمن بزرگداشت این روز، با غریب آزادی برای زنان زندانی ایران، حمایت خلل ناپذیر خود را از آنان نشان دادند و جای خالی شان را در صفوف قشره خود به امیدرایی آنان ازیند پر کردند.

اسپانیا

در تظاهرات با شکوهی که روز هشتم مارس (۱۸ اسفند) به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن با شرکت گروه کثیری از زنان مترقی و دمکرات های اسپانیا در بارسلن برگزار گردید،

حمایت از اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و سایر زنان دمکرات زندانی، با حضور گروه کثیری از مردم مترقی این شهر برگزار گردید. شرکت کنندگان در این جلسه طی قطعنامه ای، تظییقات و شکنجه های وارده برآنان را شدیداً محکوم کردند و از دولت اسپانیا خواستند به منظور قطع این اعمال از جانب حکومت جمهوری اسلامی، اقداماتی به عمل آورند.

● در مراسمی که به مناسبت هشتم مارس در مادرید برگزار شد، هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران نیز شرکت داشتند. حضور زنان ایرانی در صف تظاهر کنندگان چشم گیر بود. زنان و مردانی که در مراسم شرکت داشتند، با امضای کارت های



تظاهرات با شکوه هشتم مارس در بارسلون

مردم این کشور با زنان مبارز زندانی در ایران بود. طی مراسم مختلف، اعلامیه تشکیلات به مناسبت هشتم مارس، در سطح وسیع پخش گردید و پیام های سازمان مبنی بر حمایت از صلح جهانی و ضرورت خاتمه جنگ ایران و عراق که صلح منطقه و جهان را به مخاطره افکنده است و نیز شه ای در باره اوضاع کنونی ایران و جنایات رژیم جمهوری اسلامی، خوانده شد.

در این جشن ها، غرفه تشکیلات به جلوه هایی از افشاگری فجایع جنگ ایران و عراق و آن چه که در زندان ها و شکنجه گاه ها بر زنان مردان مبارزمیهن ما می گذرد بدل شد.

شرکت کنندگان در مراسم، به طرق گوناگون، از جمله امضای صدها کارت اعتراضی که به آدرس کمیته ناپدیدشدگان سازمان ملل ارسال گردید، حمایت خود را از زنان دمکرات دریند میهن ما ابراز داشتند. در بعضی از جلسات از جمله جلسه زنان حزب کمونیست شهر گوتینگن قطعنامه هایی در همبستگی با زندانیان و محکوم کردن اعمال ددمنشانه حکومت ایران صادر گردید.

هندوستان

به مناسبت هشتم مارس، میتینگی از طرف فدراسیون ملی زنان هند در دهلی نو برگزار گردید که در آن نمایندگان سازمانهای خارجی، از جمله آفریقای جنوبی، ویتنام، چکسلواکی و آلمان دمکراتیک شرکت داشتند.

طی این مراسم اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، به مقیاس چندمزار نسخه پخش گردید و قطعنامه سازمان، مبنی برخواست محکوم کردن جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال زنان و مردان مبارز زندانی و آزادی آنان و نیز پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق، مورد تصویب نمایندگان شرکت کننده در جلسه

اعتراضی، همبستگی خود را با زنان دمکرات در بند ایران ابراز داشتند. آنان با دادن شعارهای "به آزار و شکنجه زنان در ایران خاتمه دهید" و "زنده باد همبستگی با زنان ایران"، حمایت بی دریغ خود را از زنان مبارز زندانی در میهن ما نشان دادند.

آلمان فدرال

مراسم متعددی که به مناسبت هشتم مارس در اکثر شهرهای این کشور، از جمله آخن، کلن، فرانکفورت، هایدلبرگ، اشتوتگارت، گوتینگن و ... به ابتکار سندیگامهای کارگری و سازمان های مترقی زنان آلمان برپا شد، مظهر تجدید همبستگی

تظاهر کنندگان ضمن حمل پلاکارت هایی، مبنی بر همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران و خواست آزادی آنان، اعمال فشار و تظییقات رژیم جمهوری اسلامی را علیه زنان ایران محکوم کردند.

به مناسبت این روز مراسمی نیز در محل مرکزی کمیسیون کارگری کاتولونیا برپا شد. در این مراسم نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران با خواندن اعلامیه ۸ مارس سازمان، تجدید همبستگی کلیه نیروهای مترقی با زندانیان دمکرات میهن ما را خواستار شد. در تاریخ هفتم مارس (۱۷ اسفند)، جلسه ای به ابتکار "انجمن شهروندان بارسلن" به



قرار گرفت. خانم ویلا قاروة دبیرکل "فدراسیون" طی سخنانی بر همبستگی زنان هندوستان و زنان دریند میهن ما تاکید ورزید

● انجمن مرکزی دانشجویان دانشگاه هیمالیا پراد: هندوستان نیز، بدین مناسبت مراسمی برگزار نمود که در آن نیروهای مترقی این ایالت شرکت داشتند. اکثر آنان در سخنان خود با تشریح جو فشار و خفقان در ایران، اعمال وحشیانه حکومت د قبال زنان را محکوم کردند و هواداران تشکیلات نیز با برپایی نایشگاه عکس و پوستر در زمید محرومیت های زن ایرانی و شکنجه و آزار زنان دریند توسط رژیم ایراد سخنرانی، به افشای فجایعی که در جمهوری اسلامی در حق زنان اعمال می شود پرداختند.

در این جلسه گروه کثیری از شخصیت های علمی، ادبی و نمایندگان دانشجویان شرکت داشتند. قطعنامه ای در همبستگی با اعضای دریند تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر زنان دمکرات زندانی، به تصویب رسید، حاضران در جلسه آزادی بدون قید و شرط آنان را خواستار شدند.

پایه در صفحه ۱

دمیتری ولسکی

پیرامون سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران

مجله شوروی عصر جدید در پاسخ نامه عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم هند پیرامون سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران، مثنی منتشر ساخته است که بنا به اهمیت موضوع، آن را در این شماره "راه توده" درج می‌کنیم.

سوز دل و زیر تاثیر آن احساساتی نوشته شده که امروزه یکی از خصوصیات مردم ایران چه در داخل و چه در میان آن محافل گوناگونی است که میهن خود را ترک کرده‌اند. شما با مباحثات مربوط به راه آینده ایران، بهتر از ما آشنا هستید. حدت این مباحثات قابل فهم است زیرا مسئله مقام کشور باستانی شما در جهان فردا، هم امروز و هم اکنون مطرح است. بگذارید از این نقطه نظر، آن مسائلی که شما را به هیجان آورده است بررسی کنیم. آیا سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران با منافع دراز مدت خلق شما مطابقت دارد؟ فکر می‌کنیم شما هم با من موافق باشید که در پاسخ این پرسش، کلید درک همه مسائل نهفته است.

باید از احکام مورد قبول همه آغاز کرد. در درجه اول برای کشورهای همسایه، به خصوص این نکته اهمیت دارد که زندگی صلح‌آمیزی در کنار یکدیگر داشته باشند و مناسبات عادی و در صورت امکان خوب را با هم حفظ کنند. در درجه دوم، باید از یک اصل عمده زندگی معاصر بین‌المللی نام برد - اصل عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها. بر این اساس است که اتحاد شوروی می‌کوشد، مناسبات خود را با ایران گسترش دهد، مستقل از این که مردم شوروی نظام موجود ایران و ایدئولوژی حاکم بر آنجا را می‌پسندند یا نه. در این صورت، "نان به نرخ روز خوردن آشکار" چه جایی می‌تواند داشته باشد؟

شاید این نکته در سوادهای پرشور برخی از جوانان به حساب نیاید. اما به جز آرزوها و احساسات، واقعیات سیاسی هم وجود دارد و علاوه بر آن، ضروریات اقتصادی که زحمتکشان ساده ایران با تجربه زندگی نه

"تصور بر این است که شما ادار سیاست خارجی انقلابی و دست‌بندی هستید. اما تا آنجا که مربوط به ایران می‌شود، این بر لاقط مورد تردید است. شما نت پرسخاوت همکاری اقتصادی سوی شاه دراز کردید. بعد به همکاری با دولت شد امپریالیستی" اسلامی صاف و اده این واقعیت را نادیده رفتید که ژست ضدآمریکایی، باست ضدانسانی را تیرش می‌کند ... سپس وقتی رهبران سکوکرای حزب توده دستگیر دند، سیاست خود را تا اندازه‌ای تغییر دادید. اما حتی روز هم موضع مستحکمی در برابر باست استبدادی در ایران ناونکرده‌اید. آیا این امر کایت از آن ندارد که شما در باست خارجی خود، از مشی نان فرخ روز خوردن آشکار پیروی کنید؟"

(گروهی از دانشجویان ایرانی بدرآباد - هندوستان)

ما به حق شما دانشجویان ترقم، در این زمینه که مطابق داشت خود، رژیم کنونی ایران اورتیابی کنید کاری نداریم. ما یادآور می‌شویم که برخلاف نیم سلطنتی شاه، رژیم اسلامی از ارج به ایران تحویل نشده و اصل نتایج مبارزات نیروهای خلی، پس از سرنگون کردن نظام طقنتی است. و البته برخی گی‌های دوران کنونی توسعه جامعه ران، نمی‌توانسته است در آن زتاب نیابد. این ویژگی‌ها، مانند ناخشودی برخی لایه‌های ناگون اجتماعی و از جمله این تنه که شما نه در میهن خود، بلکه غربت به سرمی‌پریدیکه عامل نی‌است.

اما آن چه که شما در باره است اتحاد شوروی نسبت به ران می‌نویسید، به نظر ما یکارا غیرعینی و ناعادانه است. لز می‌کنم که نامه شما واقعا از

چندان آسان خود، پیوسته بیشتر به آن‌ها پی‌می‌برند. این که اتحاد شوروی به ژزم شما "دست همکاری سخاوتمندانه اقتصادی به سوی شاه دراز کرد" درست به سود مردم ایران بود و نه به سود شاه. این امر اکنون هم به اعتبار خود باقی است.

حفظ مناسبات عادی با ایران از نقطه نظر دیگر هم برای مردم ایران اهمیت دارد. شما پیرامون "ژست ضدآمریکایی" رهبری کنونی تهران می‌نویسید، اما آیا (پس از انقلاب) اخراج مستشاران نظامی آمریکایی و از میان بردن ایستگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا، تنها "ژست" بوده است؟ واشنگتن، به هیچ وجه بر سر "ژست" صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد نقشه‌های صریح ضدایرانی و بد نیست بدانید در مورد اجرای اقدامات نظامی گلتکومی‌شود.

از یک سو آمریکا با دست زدن به شیوه‌های گوناگون می‌کوشد، رژیم اسلامی را با ژزم بیشتر به جانب "راست" براند و از سوی دیگر، کشور را به دخالت نظامی تهدید می‌کند. کشورهای خلیج فارس از جمله ایران، به طور رسمی در منطقه عملی به اصطلاح فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا گنجانیده شده‌اند که چماق استعماری و مجازاتی "نیروهای مداخله سریع" را در اختیار دارد.

شاید تصور می‌کنید تمام این اقدامات به آرایش‌های معمولی نیروهای نظامی مربوط می‌شود؟ این طور هم که باشد، با ژنیمه بدبختی است. اما متأسفانه تحلیل‌گران با تجربه برداشت دیگری دارند. همه چیز حاکی از آن است که پنتاگون در حال تدارک یک مداخله وسیع نظامی در خلیج فارس است. بدتر این که، اکنون بهانه لازم برای این مداخله هم وجود دارد: جنگ در حال ادامه ایران و عراق که به عقیده بسیاری از کارشناسان وارد مرحله بحرانی خود شده است.

آیا این که مسکو پی‌گیرانه، طرفدار پایان این جنگ بی‌معنی بوده است، به سود امپریالیسم

است؟ آیا شما واقعا می‌خواهید که اتحاد شوروی در این شرایط، با توجه به "سیاست ضدانسانی" رژیم، با بی‌تفاوتی به ایران پشت کند؟ این نه فقط به منافع خلق شما، بلکه به امر صلح جهانی هم لطمه می‌زند. دوسال پیش بود که از اسناد فاش شده پنتاگون آشکار شد که جنگ طلبان آمریکایی به حوادث ایران، به مثابه وسیله‌ای برای شلیک نخستین گلوله که آغاز سومین جنگ جهانی را اعلام می‌کرد می‌نگرند. اینک اوضاع بین‌المللی آن چنان خطرناک شده است هرکس که نابودی بشریت را نمی‌خواهد، باید برای جلوگیری از جنگ تلاش کند.

اینست آن چه که عقل به ما حکم می‌کند. ولی با احساسات چه باید کرد؟ احساسات انسانی، هم‌دردی با مردمان بی‌گناه و رنج کشیده، خوش آمدن‌ها و خوش نیامدن‌های سیاسی؟ در نخستین دوره انقلاب، در محافل اجتماعی شوروی و هم چنین نزد ایرانیانی که اندیشه‌های پیشرو دارند، این امید پیدا شد که صفحه درخشانی در تاریخ کشور شما گشوده شود. سپس هنگامی که آشکار شد، مسئله به صورت دیگری درآمده است، نگرانی‌ها رخ کرد. البته همه این تحولات در صفحات مطبوعات ما و از جمله "عصر جدید" بازتاب یافت. نه، ما هیچ چیز را "نادیده نگرفته‌ایم" مجله ما به مراتب پیش از یک بار در مورد وضع در حال تغییر کشور شما ارزیابی‌های واقع بینانه ارائه داده است. تنها به آخرین مورد آن اشاره می‌کنیم: - در زمانی نه چندان دور - در شماره ۲ سال جاری.

نویسنده این ستور هم در سال‌های اخیر در باره ایران مقالاتی نوشته است. برای نوشتن، اگر صادقانه بگویم، باید با اندوه درونی، با نگرانی فزاینده پیرامون سرنوشت خلقی که برای مردم شوروی، همیشه چیزی بیش از یک همسایه معمولی بوده است قلم به دست گرفت و چه تعجبی دارد اگر مردم شوروی نسبت به توضیقات علیه حزب توده ایران بقیه در صفحه ۱۴

پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست عراق

روز ۲۱ مارس ۱۹۴۴ حزب کمونیست عراق و تمام مردم زحمتکش و ترقی خواه کشور همسایه ما، پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست عراق را جشن گرفتند. حزب کمونیست عراق ۵۰ سال پیش، به عنوان یک حزب کارگری مارکسیست - لنینیست و به مثابه یک نیاز ضروری تحول اجتماعی - اقتصادی کشور عراق به وجود آمد. این حزب، در دوران زندگی پرتلاطم خود، در بوته آزمایش نبرد طبقاتی آزموده شد و به تجلی وحدت مبارزه ملی - طبقاتی طبقه کارگر و دهقانان مبدل گردید. حزب کمونیست عراق در همان حال پرچم وحدت مبارزه دو خلق عرب و کرد

و سایر اقلیت های ملی را پرافراشت و به عنوان پیش آهنگ مبارزه در راه استقلال ملی، آزادی و ترقی اجتماعی، در مبارزات سیاسی - اجتماعی شرکت کرد. حزب کمونیست عراق در دوران حیات خود پیوسته با هرگونه انحراف از ایدئولوژی انقلابی طبقه کارگر، یعنی مارکسیسم - لنینیسم، مبارزه کرده است. این حزب در میان طبقه کارگر ریشه های عمیق دارد و از احترام توده های وسیع خلق برخوردار است. حزب کمونیست عراق، مبارزه ملی خلق عراق و مبارزه مجموعه خلق عرب را با مبارزه بین المللی ضد امپریالیستی به شکل

خلاق پیوند داده است. این حزب، یک حزب انترناسیونالیست به تمام معناست و از آموزش مارکسیسم - لنینیسم، برای تحلیل اوضاع داخلی و خارجی، و تدوین برنامه عمل خود یاری می گیرد. در چارچوب انقلاب دمکراتیک، حزب کمونیست عراق، هوادار خود - مختاری خلق کردستان عراق است. این حزب، اعضاء خویش و توده های خلق را با روح هواداری از خلق هایی که در راه آزادی ملی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه می کنند، آموزش داده است. حزب کمونیست عراق، توده های خلق را با ره آوردهای

پیروزمندانه خلق های آزادی طلب در اس آنها، خلق اتحاد شور آشنائی کند. حزب کمونیست عراق، دو قدیم و نزدیک حزب توده ایر حزب طبقه کارگر ایران، خلق های کشور ماست. حزب ایران و حزب کمونیست عراق در دهه های گذشته از طوفان های سهمگین گذشته اند غم و شادی های یکدیگر ش بوده اند. هم اکنون نیز، هر دو معرض ترور ارتجاع و امپریالیست قرار دارند، و از نیروهایی می بینند که در آخرین تحلیل ما طبقاتی واحد دارند و سر بر آستان می ساینند. اکنون نزد چهار سال است که آتش ج میان کشور ما و عراق شعل است. حزب توده ایران و کمونیست عراق، با الهام از طبقاتی و جهان بینی انقلابی در مورد جنگ نظر واحدی دار حزب کمونیست عراق، به خود هجوم ارتجاع عراق را ایران محکوم کرد و اکنون هوادار پایان هرچه سریع تر جنگ حل مسائل متنازع از مذاکرات صلح آمیز است. ماه نوبه خود، در همان حال که حکومت ارتجاعی عراق را ایران محکوم می کنیم، با اد جنگ قویا مخالفیم و معتقدیم این جنگ وحشت آور ویرانگر هرچه زودتر پایان یابد و اخته میان دو کشور از راه مذاکره مستقیم حل و فصل گردد. این چ که تاکنون صدها هزار تلف داشته است، و به ویرانی صا شهر و ده منجر شده است، فقط به نفع ارتجاع و امپریالیست است. کسانی که از ادامه جنگ حمایت می کنند، فقط آب آسیاب امپریالیسم و ارتج می ریزند.

احزاب سیاسی در ترکیه

در انتخابات محلی اخیر ترکیه، شش حزب شرکت کردند در حالی که در انتخابات مجلس ترکیه که مدتی پیش برگزار شد تنها سه حزب اجازه شرکت یافته بودند. یعنی اینک در ترکیه سه حزب دارای نماینده در مجلس وجود دارند. نظری به موقعیت کنونی این احزاب و موضوع گیری های سیاسی آنها ضروری به نظر می رسد.

حزب حاکم، حزب میهنی یعنی به رهبری نخست وزیر کنونی ترکیه است. دو حزب دیگر در مجلس، حزب خلق گرا و حزب دمکراسی ملی نام دارند. احزاب خارج از مجلس عبارتند از: حزب سوسیال دمکرات، حزب راه درست و حزب بهزیستی.

هر شش حزب، پس از اجازه نظامیان کودتایی ترکیه برای فعالیت های سیاسی تشکیل شده اند و ظاهراً با احزاب پیشین ترکیه که منحل گردیده اند ارتباطی ندارند.

حزب سوسیال دمکرات که پس از انتخابات پارلمانی تشکیل شده می تواند روی پشتیبانی طرفداران حزب جمهوری خواه خلق که رهبر آن بولنت اجویت نخست وزیر

اسبق ترکیه بود حساب کند. بنا بر این به احتمال زیاد این حزب به زودی پس از حزب حاکم دومین حزب علنی پرنفوذ ترکیه خواهد شد.

حزب راه درست که مواضع نزدیک به حزب سابق عدالت تعلق به سلیمان دمیرل دارد ممکنست در مقام سومین حزب علنی با نفوذ ترکیه عمل کند. حزب خلق گرا می تواند چهارمین حزب باقی بماند.

به نظر ناظران حزب دمکراسی ملی که نزدیک ترین حزب به نظامیان کودتایی ترکیه است نمی تواند بیش از ۴ تا ۵ درصد آراء مردم را جلب کند. حزب بهزیستی که وارث حزب سابق رستگاری ملی، حزب افراطی اسلامی است به زحمت می تواند روی موفقیت خود حساب کند.

چنین است مشخصات آن شش حزبی که شورای امنیت ملی ترکیه، وابسته به کودتایچیان آمریکایی و چیزی شبیه شورای نگهبان قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، آنها را پسندیده و اجازه فعالیتشان را صادر کرده است. احزاب مترقی ترکیه، نظیر حزب کمونیست که برای استقلال واقعی کشور و برای خروج از ناتو و

در پیش گرفتن سیاست بی طرفی و کوشش در راه برقرار کردن عدالت اجتماعی و پیشرفت به نظر ناظران حزب دمکراسی ملی که نزدیک ترین حزب به نظامیان کودتایی ترکیه است نمی تواند بیش از ۴ تا ۵ درصد آراء مردم را جلب کند. حزب بهزیستی که وارث حزب سابق رستگاری ملی، حزب افراطی اسلامی است به زحمت می تواند روی موفقیت خود حساب کند.

چنین است مشخصات آن شش حزبی که شورای امنیت ملی ترکیه، وابسته به کودتایچیان آمریکایی و چیزی شبیه شورای نگهبان قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، آنها را پسندیده و اجازه فعالیتشان را صادر کرده است. احزاب مترقی ترکیه، نظیر حزب کمونیست که برای استقلال واقعی کشور و برای خروج از ناتو و در پیش گرفتن سیاست بی طرفی و کوشش در راه برقرار کردن عدالت اجتماعی و پیشرفت همه جانبه کشور بیکار می کنند البته همه فقیر قانونی هستند و فعالان و اعضایشان در زندان های رژیم تحت آزار و شکنجه قرار دارند.

ما پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست عراق را به طبقه کار عراق و تمام زحمتکشان ترقی خواهان کشور همسایه و برادر تبریک می گوئیم و برای آزادی پیروزی و کامیابی آرزو دارا باشد که جنگ هرچه زودتر می دو کشور پایان یابد و باب دوست و همیاری گشوده گردد.

قانون کار مرفی ، آئینه انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان

قانون کار نیز به اشکال گوناگون جلوه گر است.

ارزش کار

در قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان، برخلاف پیش نویس جمهوری اسلامی، در موارد متعدد به نقش و ارزش کار اشاره شده است. کار تنها منبع ارزش و موجب افتخار شمرده شده است. از جمله در فصل دوم تحت عنوان "اصول اساسی کار" آمده است:

" ماده سوم: کار مفید اجتماعی فریضه پرافتخار و حق هر تبعه مستعد به کار جمهوری دمکراتیک افغانستان می باشد."

این بزرگداشت کار و کارگر، نه در حرف و شعار و خطبه، بلکه در مهم ترین اسناد مملکتی تثبیت می شود. مسلماً این ارزش والا را کسانی می توانند عمیقاً درک کنند و به آن وفادار باشند که با کار و کارگر پیوند نزدیک دارند.

تشکل های صنفی کارگران

تشکل های آزاد صنفی کارگران یکی از ارکان قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان را تشکیل می دهد. ماده ۱۸ این حق کارگران را با صراحت چنین بیان می کند: "حق پیوستن داوطلبانه و آزادانه کارگران در اتحادیه صنفی، تأمین و تضمین می گردد." سازمان های پایه، منطقه ای و سراسری کارگران از حقوق آنان در تمام زمینه ها دفاع می کنند از جمله:

- اشتغال به کار و فسخ قرارداد کار نوجوانان (۱۸ - ۱۵ سال) باید با موافقت اتحادیه صنفی باشد؛
- انعقاد قرارداد جمعی از طرف اتحادیه صنفی با کارفرما؛
- فسخ قرارداد کار باید با اطلاع قبلی اتحادیه صنفی باشد؛
- اخراج کارگران باید با موافقت شورای مرکزی اتحادیه های صنفی باشد؛

بقیه در صفحه ۱۰



کار مساوی.

مواد فوق بیانگر روح قانون و سمت گیری اساسی آن است.

کارگران ایران در مقدمه پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی با چهره کاملاً دیگری مواجه اند. حاکمیت جمهوری اسلامی، برخلاف وعده ها و شعارها، به هیچ وجه نخواست است تا در این سند مهم، تعهد روشن و صریحی در جهت منافع کارگران و زحمتکشان ارائه دهد. در آن جا هیچ اشاره ای به تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی و اسناد بین المللی کار دیده نمی شود. برعکس، در پیش نویس جمهوری اسلامی، همه جا سعی شده با تبلیغ سازش طبقاتی، عملاً منافع سرمایه داران حفظ شود.

مقایسه مقدمه پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی با احکام عمومی فوق الذکر در پیش نویس قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان، نشانگر وجود دو خط متمایز و متضاد در مقابل یکدیگر است. یکی خط و بینش دفاع از سرمایه داران و فارتگران و فریب کارگران و زحمتکشان و دیگری خط و بینش مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان. این تضاد اساسی در تمام مواد و اجزاء دیگر این دو

قصد فریب کارگران را ندارد. حمایت همه جانبه، صریح و روشن از طبقه کارگر، اساس این قانون را تشکیل می دهد. هدف از قانون کار، در فصل اول آن، تحت عنوان "احکام عمومی"، بدین ترتیب بیان گردیده است:

اهداف قانون کار

- ۱- حق کار مفید اجتماعی و احضار انواع بیکاری.
- ۲- تنظیم عادلانه و مرفی روابط کارگر با اداره موسسه خصوصی به نحوی که بازدهی کار و مثریت تولید اجتماعی تقویت و سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی کارگر ارتقاء یابد.
- ۲- شرایط مساعد و مطمئن کار، طوری که حقوق و منافع طبقه کارگر حمایت و کار به صورت تدریجی به رفاه همگانی بیانجامد.
- ۴- تحکیم انضباط کار.
- ۵- تضمین حقوق و آزادی های دمکراتیک کارگران با رعایت ارزش های ملی و مرفی.
- ۶- تطبیق میثاق های بین المللی کار که افغانستان به آن الحاق نموده و یا می نماید.
- ۷- اصل مزد مساوی در برابر

اخیراً پیش نویس قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان در جراید این کشور منتشر شد. طی اعلامیه ای که در این مورد روزنامه "حقیقت انقلاب ثور"، ارکان کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، منتشر ساخته، آمده است:

"م زمان با ابراز نظر درباره (پیش نویس) قانون کار در برخی از موسسات تولیدی و به خاطر اطلاع همه مردم و ابراز نظر پیرامون آن... جریان نظر خواهی در (این) زمینه، با در نظر داشت تأثیر عظیم (این قانون) در زندگی طبقه کارگر دوران ساز کشور، تا تاریخ ۲۰ (اسفند) ادامه خواهد داشت. نظرات پیشنهادی و تکمیلی مردم به سازمانهای اولیه اتحادیه های صنفی جمهوری دمکراتیک افغانستان در سراسر کشور سپرده می شود."

در پایان این اطلاعیه هم چنین خطاب به کارگران و زحمتکشان کشور تأکید شده است:

"طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور با ارائه نظریات و پیشنهادات در انجام این امر مهم، سهم خود را ادا نمایند."

این فراخوان گویای آنست که از یک قانون کار مرفی سخن می رود. قانونی که بر اساس اعتماد به کارگران، با مشارکت آنها در جهت منافع آنان تنظیم شده است. بنابر این لازم می دانیم به منظور اطلاع کارگران ایران از روح و مضمون مرفی این قانون، بررسی مختصری به عمل آوریم:

قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان در ۲۰ فصل و ۱۶۳ ماده تدوین شده است. نکته ای که پیش از هر چیز به چشم می خورد، روشنی، صراحت و صداقت متن این قانون است. در اینجا، برخلاف پیش نویس جمهوری اسلامی، به هیچ وجه از کلمات ثقیل، جملات دوپهلوی، تبصره های بی مورد و ... استفاده نشده است. دلیل آن روشن است. جمهوری دمکراتیک افغانستان

حقوق ویژه زنان کارگر در پیش نویس جدید قانون کار نادیده گرفته شده است

سرانجام پس از یک سال وعده و وعید، پیش نویس جدید قانون کار که به دور از چشم نمایندگان واقعی کارگران و در پشت درهای بسته وزارت کار تنظیم شده است، انتشار یافت. کارگران، این پیش نویس را در به اصطلاح سینار یک روزه ای که مقامات وزارت کار برای اظهار نظر آنان ترتیب داده بودند رد کردند. به رغم اصلاحات انشایی، روح ضدکارگری حاکم بر پیش نویس قبلی، بر این پیش نویس نیز تسلط دارد. زحمتکشان، از واری نقاب‌های فریب کارانه آن به این نکته پی می‌برند. در شماره‌های گذشته "راه توده"، ماهیت ضدکارگری این پیش نویس، افشا شده است. عمده‌ترین حقوق کارگران و زحمتکشان، اعم از زن و مرد، حق تشکل، حق کار، حق برخورداری از تأمین اجتماعی در برابر سوانح، بیماری و از کارافتادگی و ... در پیش نویس جدید نادیده گرفته شده و یا مثله گردیده است.



سخت تشخیص داده شود، مدیریت کارگاه تا پایان دوره بارداری، کار مناسب‌تر و سبک‌تری را بدون کسر مزد به وی ارجح می‌نماید و در صورت نبودن کار مناسب به درخواست کارگر (بخوانید به دستور کارفرما) مرخصی بدون حقوق به او داده خواهد شد.

برای سرمایه‌دار سودجو مشکل نیست که ناگهان با ریختن اشک تساح به کارگر باردار بگوید همه کارهای موجود کارگاه ما برای سلامت شما زیان‌آور است و شما باید برای حفظ سلامتی خود و کودکان، تقاضای مرخصی بدون استفاده از حقوق بکنید. این ماده به صراحت امنیت شغلی و استقلال اقتصادی زنان کارگر باردار را نقض می‌کند. امروز اخراج زنان کارگر، به انواع بهانه‌ها، به سیاست دست‌اندرکاران امور کارگری در جمهوری اسلامی تبدیل شده است. زنان کارگر خواهان تدوین و تصویب قوانینی هستند که امنیت شغلی آنان را به ویژه در دوران بارداری تضمین کنند. ماده ۹۰ پیش نویس جدید قانون کار، باید اصلاح شود و بدون هیچ‌گونه ابهام، اشتغال زنان باردار به کارهای سنگین و مضر برای سلامت مادر و کودک را ممنوع اعلام کند و کارفرما را به ارجاع کار سبک‌تر و مناسبی به آنان موظف سازد.

این خواست زنان کارگر در اثر مبارزات عمومی طبقه کارگر و زنان زحمتکش، به ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، علا به اجرا درآمده بود، اکنون در پیش نویس جدید قانون کار، نادیده گرفته شده است. این مدت طبق ماده ۸۶ از بخش ششم، فصل اول پیش نویس جدید قانون کار به ۷۵ روز تقلیل یافته است. طراحان پیش نویس، به علاوه، نحوه استفاده از مرخصی را نیز تعیین کرده‌اند. بنابر مفاد ماده ۸۶، زنان کارگر باید حداقل ۴۰ روز از ۷۵ روز مرخصی زایمان را پس از وضع حمل مورد استفاده قرار دهند. در منطق سرمایه‌داران، سرنوشت مادران و کودکان دلبندشان مهم نیست. در ماده ۹۰ از همان بخش چنین آمده است:

"در مواردی که با تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار، خطرناک یا

به صراحت چنین آمده است: "اجرای اصل دستمزد و حقوق مساوی برای کار مساوی در مورد زنان کارگر".

در هزاران طومار و ده‌ها جلسه و سیناری که کارگران در آن‌ها خواست‌های خود را منعکس کرده‌اند نیز حق دریافت مزد مساوی در مقابل کار مساوی برای زنان و مردان، با صراحت و بدون هیچ قید و شرطی مطرح شده است.

مزد مساوی درازاء کار مساوی

برای زنان و مردان
در ماده ۵۵ از بخش سوم، فصل اول متن پیشنهادی قانون جدید کار آمده است:

"برای انجام کار مساوی در شرایط مساوی در یک کارگاه، به زن و مرد باید مزد مساوی پرداخت شود".

در شرایطی که شخصیت انسانی و حقوق اجتماعی زنان زحمتکش میهن ما به وسیله ارتجاع حاکم پایمال می‌شود، گنجاندن جمله کشنده و قابل تفسیر "در شرایط مساوی" تنها به مثابه حربه‌ای برآورد دست سرمایه‌داران غارتگر عمل خواهد کرد تا به حقوق حقه زنان کارگر تجاوز کنند. هنگامی که نوع کار برای زن و مرد مساوی باشد، ذکر "در شرایط مساوی" به چه معناست؟ در برنامه حزب توده ایران که برپایه مطالبات برحق میلیون‌ها زحمتکش میهن ما تنظیم شده است

۴۰ سال پیش زنان کارگر حداقل ۹۰ روز مرخصی زایمان طلب می‌کردند

در برنامه مصوب نخستین کنفرانس حزب توده ایران در سال ۱۳۱۳ از جمله چنین آمده است:

"استفاده زنان کارگر و مستخدم از مرخصی با دریافت حقوق در دوره وضع حمل لااقل سه ماه".

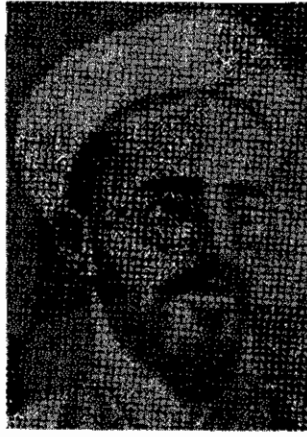
طراحان پیش نویس به سرنوشت فرزندان کارگران بی توجه‌اند

در تبصره ۲ از ماده ۸۷، بخش ششم، فصل اول پیش نویس کتبی می‌شود:

"تعداد واجدین شرایط، برای ایجاد شیرخوارگاه در این قبیل کارگاه‌ها حداقل ۱۰ کودک شیرخوار (تا ۲ سال) و برای مهد کودک حداقل ۵۰ کودک (۲ تا ۶ سال) می‌باشد".

آمار رسمی دولتی نشان می‌دهد که این تبصره، اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان را از استفاده از بقیه در صفحه ۱۴

به یاد قیام دلیرانه مردم آذربایجان و خراسان



شیخ محمد خیابانی

۱۶ فروردین امسال، ۶۴ سال از قیام مردم آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی و ۱۳ فروردین، ۶۳ سال از آغاز قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمدتقی خان پسبان گذشت.

قیام های تاریخی مردم آذربایجان و خراسان که به همراه انقلاب گیلان به رهبری میرزا کوچک خان، بخش هایی از سومین اوج جنبش ضد امپریالیستی و رهایی بخش ملی مردم ایران (پس از قیام تنباکو و انقلاب مشروطیت) بودند، صفحات درخشان نوینی را در تاریخ جنبش صدساله اخیر مردم ایران علیه نظام خودکامه شاهنشاهی و تسلط خاندان برانداز امپریالیسم گشودند.

این قیام ها که با انگیزه مستقیم مخالفت با قرارداد ننگین و سیاه ۱۳۸ و وثوق الدوله با انگلستان که در حقیقت ایران را به مستعمره امپریالیسم انگلیس بدل می کرد، آغاز شدند، بر زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اندیشه ای عمیق تر و ریشه دارتری استوار بودند. همه این قیام ها در سال های (۱۳۰۰ - ۱۳۲۶) به سبب تشدید تضادهای درونی جامعه ایران و در شرایط مساعد بین المللی پس از پیروزی انقلاب اکتبر نضج گرفتند و به موفقیت هایی، هر چند موقتی، نیز دست یافتند. علل اصلی پیروزی و رشد این جنبش های مردمی در دو هدف عمده داخلی (علیه رژیم فاسد اشرافی و ارباب رعیتی) و خارجی (علیه تسلط روز افزون امپریالیسم) آن نهفته بود.

سوسیال دموکراتهای ایران که در اوج جنبش گیلان، حزب کمونیست ایران را پی ریزی کرده بودند، بنا به ابتکار حیدر خان در صدد ایجاد ارتباط با شیخ محمد خیابانی در آذربایجان و کلنل محمدتقی خان پسبان در خراسان برآمدند و این ارتباط متأسفانه به دلایل چندی صورت نگرفت و هم آهنگی بین ۲ بخش جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران ایجاد نشد.

خاطره شهید قهرمان قاضی محمد رهبر بزرگ خلق کردگرمی باد!



۲۷ سال پیش، در نیمه شب ۱۰ فروردین ۱۳۲۶، قاضی محمد، محمد حسین سیف قاضی (وزیر جنگ حکومت ملی کردستان) و ابوالقاسم صدر قاضی (نایبند مهاباد در دوره ۱۴ مجلس و رجل برجسته سیاسی و ملی کردستان) در محاصره نیروهای ارتش شاهنشاهی به دار آویخته شدند.

قاضی محمد رهبر و سازمانده حزب دمکرات کردستان ایران و بنیانگذار و رئیس نخستین حکومت ملی و دمکراتیک خلق کرد بود. او راه رهایی خلق را به درستی شناخت و تا آخرین نفس آن را طی کرد.

رژیم شاه جلاد گمان می کرد با اعدام قاضی محمد، آزادی و آزادی خواهی نیز نابود خواهد شد و خلق کرد از زیر بار این ضربه، کمر راست نخواهد کرد. تاریخ، بطالت این پندار را به اثبات رساند. خلق کرد زنده ماند، رژیم قربانی داد و دوش به دوش همه خلق های ایران برای رهایی میهن بزرگ خود، ایران از هیچ فداکاری دریغ نوزید.

تاریخ به قهقرا نرفت، بلکه به پیش تاخت. با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، شاه خائن و رژیم جنایتکارش به دست توانای خلق از اویکه قدرت به زیر کشیده شدند و مزار قاضی محمد به زیارتگاه خلق های ایران بدل شد.

با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، امکان خود مختاری کردستان ایران در چارچوب تمامیت ارضی ایران که خواست خلق کرد و راه قاضی محمد و یاران شهیدش بود، پدید آمد. ولی با چرخش حاکمیت جمهوری اسلامی به راست و خیانت به اهداف انقلاب، این امکان به واقعیت نپیوست. امسال سال روز شهادت قاضی محمد را در شرایطی برگزار می کنیم که شهرها و روستاهای کردستان ایران به علت

بیماران های مداوم حکومت جمهوری اسلامی و بدل شدن به صحنه جنگ بی سرانجام ایران و عراق، روز به روز بیشتر ویران می شود و خلق کرد تحت شدیدترین محدودیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد.

حزب توده ایران در هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی خود:

"ادامه جنگ برادرکشی در کردستان را که به خلق کرد تحمیل شده محکوم می کند و خواهان پایان دادن به بیماران شهرها و روستاهای منطقه و کشتار جمعی کودکان و زنان و پیرمردان است. پلنوم خواهان به رسمیت شناختن حق خودمختاری برای همه خلق های ساکن کشور در چارچوب تمامیت ارضی ایران است."

در سال روز شهادت قاضی محمد، حزب توده ایران ضمن بزرگداشت خاطره او و همزمان قهرمانش، اطمینان دارد که نیروهای مترقی و انقلابی خلق کرد در طریق اتحاد و همکاری با همه نیروهای انقلابی ایران گام برخواهند داشت. حزب توده ایران به نوبه خود:

"کوشش های لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیک با سازمان ها و نیروهای مترقی انقلابی خلق کرد به عمل خواهد آورد" (اسناد پلنوم هجدهم).

از نکات برجسته رهبران قیام های آذربایجان و خراسان، حسن نظر آن ها نسبت به سوسیال دمکرات ها است.

مضمون سخنرانی های آتشین شیخ محمد خیابانی در دوران پس از پیروزی انقلاب اکتبر به خوبی بهره گیری. این رجل برجسته انقلابی و اندیشمند بزرگ دمکرات را از افکار سوسیالیستی نشان می دهد. خیابانی همیشه با ستایش فراوان از لنین نام می برد و "مبارزه قهرمانانه" او علیه تزاریسم روسیه را نمونه درخشان و سرمشق برجسته مبارزه سیاسی آشتی ناپذیر علیه ظلم اجتماعی و ستم ملی می دانست.

هم چنین اسناد موجود حاکی از حسن نظر کلنل محمدتقی خان پسبان نسبت به سوسیال دمکرات های ایران و رهبری آن حیدرخان است. در پیغامی که کلنل محمدتقی خان برای احسان الله خان فرستاده است، به زبان هایی که او به نهضت جنگلی ما زده اشاره می کند و در عین حال نظر تحسین آمیز خود را نسبت به حیدر عموغلی آشکار می سازد.

از آن جا که زمینه های اساسی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ای که هر ۲ قیام گیلان، آذربایجان و خراسان را سبب شد، یکسان و شرایط عمده داخلی و خارجی پیروزی

بقیه در صفحه ۱۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

همبستگی کارگران بریتانیا با کارگران ایران

در ماه گذشته ملاقات‌های متعددی بین نماینده "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهاى ایران" و نمایندگان برجسته سازمان‌های کارگری بریتانیا صورت گرفت. مضمون اصلی این ملاقات‌ها را گفتگو و تبادل نظر پیرامون شرایط کنونی کارگران ایران، اختناق حاکم بر واحدهای کار و سازمان‌های کارگری در ایران تشکیل می‌داد. طی این گفتگوها همچنین اطلاعات جالب توجهی از سوی نمایندگان سازمانهای کارگری بریتانیا در رابطه با روابط اقتصادی انحصارات امپریالیستی بریتانیا با دولت جمهوری اسلامی ارائه شد.

● طی ملاقاتی که بین نماینده "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهاى ایران" و نمایندگان برجسته "کنگره سراسری اتحادیه‌های کارگری بریتانیا" برگزار شده، مسئله سرکوب سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران، اعدام مبارزین دمکرات، دادگاه‌ها و احکام فوایبی اعدام اعضای جنبش کارگری ایران، همچنین اعتراضات کارگران و دهقانان علی‌رغم فشار دیکتاتوری حاکم، از جمله اعتراضات وسیع کارگران علیه پیش نویس ارتجاعی قانون کار، به تفصیل تشریح شد.

کارگری بریتانیا" متقبل شد مسائل مورد گفتگو را در بولتن داخلی خود به اطلاع کارگران بریتانیا برساند. لازم به تذکر است که "کنگره سراسری اتحادیه‌های کارگری بریتانیا" در کنفرانس اخیر سالانه خود قطعنامه‌ای در اعتراض به نقض حقوق و آزادی‌های دمکراتیک در ایران، به تصویب رسانده بود.

به عمل آمد. "کنگره" متعهد شد در اعتراض به جو اختناق و سرکوب در ایران به ویژه در اعتراض به احکام اعدام اعضای حزب توده ایران و دادگاه‌های فرمایشی، قطعنامه‌ای به کنفرانس سالانه "کنگره" که در ماه آوریل برگزار می‌شود، تسلیم دارد. همچنین اعلامیه‌ای در مورد اوضاع کنونی ایران تنظیم شد تا از طریق نشریات "کنگره" اتحادیه‌های کارگری اسکاتلند" به اطلاع کارگران برسد.

● طی ملاقاتی که بین نماینده "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهاى ایران" و مسئولان بقیه در صفحه ۱۴

۱۲۵۷ در ایران و افغانستان به وقوع پیوست. حاکمیت مستقر در جمهوری دمکراتیک افغانستان موفق شده، علی‌رغم توطئه‌ها و خراب‌کاری‌های ارتجاع داخلی و منطقه، جنگ اعلام نشده از سوی امپریالیسم، با تقییب سمت‌گیری مردمی انقلاب، کام‌های موثری به پیش بردارد. حاکمیت جمهوری دمکراتیک افغانستان، وفادار به آرمانهای انقلاب، با تمام توان خود در جهت اجرای وظایف آن می‌کوشد. پیش نویس قانون کار منتشره، حاصل این تلاش‌ها و کوشش‌ها است. در جمهوری اسلامی ایران، وقایع در جهت عکس سیر می‌کنند. حاکمیت مستقر پس از انقلاب بهمین قدم به قدم از اهداف و وظایف انقلاب فاصله گرفت تا آن که یکسره به آن خیانت کرد و با اهداف و آرمان‌های آن بیگانه شد. پیش نویس قانون کار تهیه شده در جمهوری اسلامی نمایانگر خیانت حاکمیت به اهداف انقلاب و کارگران و زحمتکشان کشور است.

قانون کار در هر دو کشور، آیینیه تعهد حاکمیت به انقلاب است. در جمهوری دمکراتیک افغانستان، این آیینیه با شفافیت و روشنی تمام صورت خلق را در خود می‌تاباند.

در جمهوری اسلامی، آیینیه‌ای است چرک گرفته، کدر و سیاه، با تصویری از هیولای سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم.

قانون کار مترقی، آئینه انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان

سال تمام است. در پیش نویس جمهوری اسلامی حداقل سن برای کار ۱۵ سال در نظر گرفته شده ولی دست سرمایه‌داران برای استثمار کودکان تا ۱۲ سال باز گذاشته شده است.

سواد آموزی

ایجاد برنامه سواد آموزی در ساعات کار با استفاده از مزد، در پیش نویس جمهوری اسلامی این حق از کارگران سلب شده است.

مرخصی زیارت

۴۵ روز مرخصی با حقوق، یک بار در تمام دوره کار، جهت حج و زیارت. در پیش نویس جمهوری اسلامی این حق به کارگران داده نشده است.

این مقایسه را در تمام زمینه‌ها بین قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان و پیش نویس پیشنهادی جمهوری اسلامی می‌توان ادامه داد. در اینجا تنها به گوشه‌هایی از آن پرداختیم. همین مختصر نیز به خوبی نشان می‌دهد چه فاصله عظیمی میان این دو پیش نویس وجود دارد.

قانون کار

آئینه تعهد حاکمیت به انقلاب انقلاب ملی و دمکراتیک در سال

ساعات کار کار به میزان ۴۰ ساعت در هفته محدود شده است. در پیش نویس جمهوری اسلامی ۳۴ ساعت در هفته تعیین گردیده است.

اضافه کاری

میزان پرداختی در ساعات اضافه کاری ۵۰ درصد بیش از ساعات معمولی است. در پیش نویس جمهوری اسلامی ۲۵٪ است.

مرخصی

تا ۴۰ روز در سال. در پیش نویس جمهوری اسلامی تا ۱۹ روز.

مرخصی زایمان

۲ ماه مرخصی با حقوق و در صورت تمایل ۹ ماه مرخصی بدون حقوق. در پیش نویس جمهوری اسلامی ۲/۵ ماه.

بازنشستگی

مردان در ۶۰ سالگی، زنان در ۵۵ سالگی و شاغلین کارهای سخت در ۵۰ سالگی بازنشسته می‌شوند. در پیش نویس جمهوری اسلامی در این مورد سکوت شده است.

سن کار

حداقل سن برای شروع به کار ۱۸

- شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی ناظر بر اجرای مندرجات قرارداد جمعی است؛

- قوانین داخلی هر موسسه در رابطه با تنظیم کارمزد، انضباط کار، بهداشت و ایمنی و تشویق کارگران باید با موافقت شورای نمایندگان اتحادیه صنفی باشد؛

- تنظیم اوقات شیردادن بچه در واحدهای کار؛

- تنظیم برنامه مرخصی‌ها باید با نظر اتحادیه‌های صنفی صورت گیرد؛

- اتحادیه‌های صنفی در تمام دعاوی بین کارگر و کارفرما شرکت دارند و نقش فعالی ایفا می‌کنند.

باید توجه داشت این اتحادیه‌های صنفی، تشکلهای واقعی و مستقل کارگران و زحمتکشان هستند. این تشکلهای برخلاف آنچه که در پیش‌نویس جمهوری اسلامی ذکر شده، تشکلهای فرمایشی نیستند. در قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان صحبتی از انحلال اتحادیه‌های کارگران در میان نیست. به وزارت کار این حق داده شده است که به هر بهانه در امور تشکلهای کارگری مداخله کند. از شرایط قرون وسطایی تفتیش عقاید در اینجا خبری نیست. خلاصه کلام، در این مورد نیز، پیش نویس قانون کار جمهوری دمکراتیک افغانستان درست برعکس پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی است.

اظهاریه انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات درباره فجایع دستگاه حاکمه ایران

بقیه از صفحه ۱

است که بدون توجه به شدت جرم، هر فردی حق دارد که از یک محاکمه عادلانه بهره مند شود و در این محاکمه باید حق دفاع و استفاده از امکانات قضایی تامین گردد.

انجمن در اظهاریه مورخ ۴ مه ۱۹۸۲ خود هم دوردی و هم یاری خود را با وکلای دادگستری و تمام حقوقدانان ایران اعلام داشته و طلب نموده است که امنیت جسمی و جانسی زندانیان سیاسی، از جمله رهبران و فعالین حزب توده ایران و همچنین حق آنها برای دفاع از خود و محاکمه علنی در یک دادگاه مستقل در حضور ناظرین قضایی تامین گردد.

انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات از مقامات ایرانی تقاضا کرده است که به هیاتی از

حقوقدانان اجازه داده شود، برای کسب اطلاع از وضع زندانیان سیاسی، شرایط زندان و جریان محاکمات به آن کشور سفر کنند. به این تقاضای رسمی تا امروز جوابی داده نشده است.

اخیرا محاکمه برخی از اعضاء و رهبران حزب توده ایران، در یک دادگاه اسلامی برگزار گردید و در جریان آن عده ای از ۵ سال تا زندان ابد محکوم گردیدند. در این محاکمه ناظرین قضایی خارجی شرکت نداشتند و نتوانستند صحت و سقم اتهامات وارده و نایب های تلویزیونی را مورد بررسی قرار دهند. انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات اعلام می دارد که متهمین از یک محاکمه علنی بهره مند نبوده و به آنها اجازه دفاع از خویش داده نشده.

با توجه به مراتب فوق،

احکامی که در این دادگاه و در دادگاه های قبل از آن صادر گردیده است در تناقض آشکار قرار دارد با:

۱- مواد ۵، ۹، ۱۰ و ۱۹ اعلامیه

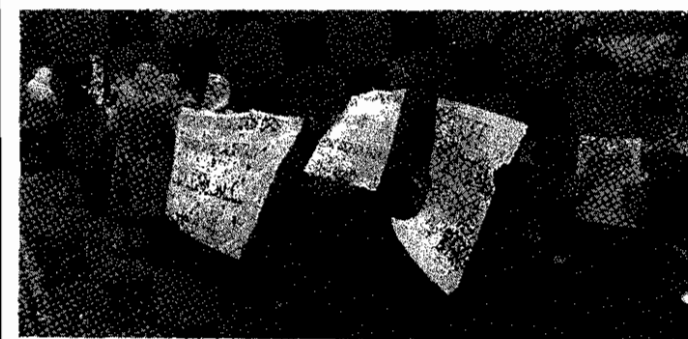
جهانی حقوق بشر؛

۲- ماده ۵ اعلامیه اسلامی جهانی حقوق بشر که حق تمام افراد را به بهره مند شدن از یک دادگاه قضایی مستقل و استفاده از حق معقول دفاع از خویش، به رسمیت می شناسد.

انجمن جهانی حقوق دانان دمکرات از دولت جمهوری اسلامی ایران طلب می کند که حق مقدس دفاع از خویش را برای زندانیان به رسمیت شناسد و زندانیان سیاسی را که در شرایط متناقض با مفاد مواد فوق محکوم گردیده اند، مورد عفو قرار دهد.

سازمان های مترقی، از جمله سازمان بین المللی زنان برای صلح و آزادی، اتحادیه زنان عراقی، سازمان همبستگی با زنان ترک و نیز شخصیت های دمکرات خارجی وانگلیسی شرکت داشتند، تظاهرات کنندگان با دادن شعارهای "آزادی برای زنان دمکرات زندانی" و "به شکنجه و آزار زنان زندانی پایان دهید"، به افشای ماهیت جنایت کار رژیم حاکم بر ایران پرداختند.

نمایندگان تظاهرات کنندگان، طوماری شامل ۱۰۰ امضاء در حمایت از زنان دمکرات زندانی به مقامات سفارت خانه ارائه دادند. کارکنان سفارت از پذیرفتن آن خودداری کردند و بدین ترتیب بار دیگر، چهره ضد مردمی رژیم پیش از پیش در انظار عموم آشکار شد.



همبستگی پرشور

بقیه از صفحه ۲

و روحی علیه زندانیان سیاسی و اعزام هیات هایی متشکل از پزشکان و حقوقدانان بی طرف برای رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی را خواستار شدند.

خبر تشکیل این کمیته، در روزنامه های: غرب فرانسه، تریبون، روزنامه محلی حزب کمونیست (نانت)، روزنامه محلی حزب سوسیالیست (نانت)، نیز منعکس گردیده است.

اتریش

سوم مارس ۱۹۸۴ مراسم پنجمین سالگرد انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران، توسط هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران در اتریش برگزار شد. پس از یک دقیقه سکوت به احترام ده تن از افسران و اعضای شهید حزب توده ایران، یکی از هواداران حزب طی سخنانی پیرامون اوضاع کنونی ایران به افشای خیانت های سران جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب پرداخت. سپس پیام همبستگی حزب کمونیست اتریش توسط یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب برادر خوانده شد.

سازمان دانشجویان کمونیست اتریش، حزب دمکراتیک افغانستان در اتریش، حزب کمونیست ترکیه و حزب سوسیالیستی کارگر ترکیه (اتریش) و اتحادیه دانشجویان عراقی در این کشور نیز با ارسال پیام هایی، مراتب همبستگی خود را با کلیه زندانیان دمکرات در ایران از جمله اعضای حزب توده ایران، اعلام داشتند.

دانمارک

پنجاهدگان سیاسی ایرانی در دانمارک اعتصاب غذای ۵ روزه ای در شهر کپنهاگ ترتیب دادند. این اعتصاب غذا در اعتراض به جنایات حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران و محکوم کردن سیاست شوونیستی و جنگ طلبانه رژیم ایران، برگزار شد.

مشروح گزارش این اعتصاب غذا در شماره آینده "راه توده" چاپ خواهد شد.

هشتم مارس، جلوه دیگری از

بقیه از صفحه ۴

فرانسه

اتحادیه زنان فرانسه در مارس به مناسبت ۸ مارس مراسمی برگزار کرد که نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در این شهر نیز در آن شرکت داشت.

شرکت کنندگان در جلسه، ضمن استقبال از حضور نماینده تشکیلات و سخنانی که وی در مورد جنگ خاندان برانداز ایران و عراق و نیز وضع زندانهای ایران و شکنجه و تعقیبات وارده بر زنان در بند ایراد کرد، طی صدور قطعنامه ای پایان جنگ را خواستار شدند. آنان همچنین جنایات حاکمیت جمهوری اسلامی را در حق زنان و سایر دمکرات های زندانی محکوم کردند و آزادی آنان و کسایل هیاتهای بین المللی جهت بررسی وضع زندانیان را از نزدیک طلب کردند.

● نشریه "پروگر" پرتیراژترین روزنامه منطقه شرق فرانسه، در شماره ۱۰ مارس (۲۰ اسفند) خود، قسمت هایی از متن اعلامیه

فلاش برای احیای پیمان سنو در پناه لفاظی ضدامپریالیستی

هفته گذشته، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سالگرد استقلال پاکستان، گفتگویی با سفیر این کشور در جمهوری اسلامی ایران به عمل آورد. سفیر پاکستان ضمن بیان این مطلب که "بین ایران و پاکستان اختلافی نبوده... و بعد از انقلاب اسلامی ایران، مناسبات سیاسی و بازرگانی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور پیشرفت‌های شایانی داشته است" در مورد پیمان منطقه‌ای گفت:

"از سال گذشته ۲ کشور ایران، پاکستان و ترکیه موافقت کرده‌اند که یک کمیسیون ۲ جانبه دایم در سطح وزراء داشته باشند. البته مقدمه این کار به این شکل بوده است که جمهوری اسلامی احساس کرده که لازم است با کشورهای مسلمان و همسایه (و ایضا آمریکایی!) خود روابط گسترده‌تری داشته باشد. ما نیز عقیده داریم که این پیمان به نفع مردم ۲ کشور است (۱) و پیشرفت خواهد کرد" (جمهوری اسلامی - ۸ فروردین).

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هنگامی این مصاحبه را به عمل می‌آورد و منتشر می‌کند که به مناسبت سالگرد خروج ایران از پیمان امپریالیستی و تجاوزکارانه سنو (در نتیجه پیروزی انقلاب بهمین ۵۷)، از سوی همین خبرگزاری، تحلیلی در همان تاریخ منتشر شده است.

در این تحلیل اگرچه نقطه نظرات درست بسیاری در رابطه با نقش این پیمان نظامی و اهداف امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در سرزمین بندی چنین پیمان‌هایی، دیده می‌شوند، ولی واقعیت عمل کرد حاکمیت جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که امروز حاکمیت جمهوری اسلامی به این تحلیل‌ها باوری ندارد و در واقع این تبلیغات چیزی جز مثنی لفاظی ضدامپریالیستی نیست.

"پیمان منطقه‌ای" که سفیر پاکستان از آن نام می‌برد و به گفته

در هفته‌ای که گذشت:

اوجهوری اسلامی ایران مبتکر تشکیل آن بوده است. همان "پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران" است که شعبه‌ای از پیمان نظامی سنو بود. تشکیل "پیمان منطقه‌ای" احیاء پیمان قبلی در لباس مبدل و تلاشی در جهت احیاء پیمان نظامی سنو است.

حاکمیت جمهوری اسلامی با لفاظی‌های ضدامپریالیستی قادر نیست این سیاست استقلال‌برپا داده خود را که علیه منافع خلق‌های ایران و منطقه است، پنهان کند.

نیروهای ترقی خواه جهان به صلح رأی می‌دهند

هفته گذشته شورای امنیت سازمان ملل متحد، نظر خود را در مورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق منتشر کرد. شورای امنیت پس از بررسی گزارش کارشناسانی که از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد تعیین شده بودند، از زبان آریاس استلیا، رییس این شورا، نگرانی عمیق خود را در ارتباط با خبرهای مربوط به نقض موازین حقوق بین‌المللی در جریان جنگ ایران و عراق ابراز کرد. شورای امنیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی را قاطعانه محکوم کرد و ضمن تأیید مجدد ضرورت رعایت دقیق مفاد پروتکل سال ۱۹۲۵ ژنو در باره ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده، سعی و دیگر گازهای نظیر آن در عملیات جنگی، ایران و عراق را به رعایت تعهدات این پروتکل دعوت کرد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، بار دیگر ضرورت اعلام آتش بس و حل مسالمت آمیز اختلافات میان ایران و عراق را تأکید کرد و از تمام کشورهای جهان دعوت نمود تا کوشش‌های خود را در راه فراهم ساختن شرایط مساعد جهت حل مسالمت آمیز این اختلافات و

استقرار صلح میان دو کشور، بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی یا شورای امنیت هماهنگ سازند.

از سوی دیگر کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس که از ۱۲ تا ۱۸ فروردین ۱۳۶۲ در ژنو برگزار شد و نمایندگان از ۹۰ کشور جهان، از جمله جمهوری اسلامی نیز در آن شرکت داشتند، تصویب کرد مسئله پایان بخشیدن به جنگ بی‌سرانجام ایران و عراق را در دستور خود بگنجانند. این کنفرانس که بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده است، اعلام کرد: از آنجائی که نمی‌تواند نسبت به مسائل صلح و امنیت در جهان بی‌تفاوت باشد، تصمیم فوق‌الذکر را اتخاذ کرده است.

جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را در این هر دو مجمع بین‌المللی به کار برد تا موضع جنگ‌افروزان خود را به کشورهای جهان تحمیل کند. ولی تصمیمات اصولی این مجمع نشان داد که نیروهای ترقی‌خواه جهان به صلح‌رأی می‌دهند و منطبق بوجه جنگ طلبانه حکام جمهوری اسلامی را قاطعانه رد می‌کنند.

افزایش وابستگی به امپریالیسم با رست حرکت به سوی خودکفایی

گمرک ایران طی گزارشی آمار واردات و صادرات کشور را در بهمن ماه سال ۱۳۶۲ اعلام کرد.

بر اساس این گزارش در ماه مذکور مقدار ۱/۵۸۱/۳۳۶ تن کالا به ارزش ۱۶/۹۵۷/۶۲ هزار ریال از گمرکات مختلف ترخیص شده است. کالاهای وارد شده نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۱۵/۵٪ از نظر وزن و ۴۰/۵٪ از لحاظ ارزش افزایش نشان می‌دهد. این گزارش حاکیست صادرات کشور در ماه مذکور به میزان ۱۷۱۲۹ تن و ارزش ۱/۷۶۸/۴۶۹ هزار ریال بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل

۱۳/۲٪ از نظر وزن افزایش و ۸/۸٪ از لحاظ ارزش کاهش داشته است. آمارهایی از این دست که هر ماه از طرف گمرک جمهوری اسلامی منتشر می‌شوند، به روشنی نشان می‌دهند در حالی که حجم واردات ایران به سرعت افزایش می‌یابد، میزان صادرات کشور کاهش یافته است. اگر به اسامی کشورهای صادر کننده کالا به ایران توجه کنیم می‌بینیم سهم عمده واردات ایران، هم چون زمان رژیم شاه خائن در انحصار چند کشور امپریالیستی است. این موضوع اهمیت "سهم قابل ملاحظه‌ای" را که به برکت خیانت‌های رهبران جمهوری اسلامی به انقلاب مردم ایران، نصیب امپریالیسم شده، نمایان‌تر می‌سازد.

از سوی دیگر حاکمیت جمهوری اسلامی با ادامه و گسترش سیاست افزایش واردات از کشورهای امپریالیستی و به منظور توسعه هرچه بیشتر ناوگان تجاروی خود برای تسهیل در امر حمل کالاهای وارداتی، دو فروند کشتی مدرن به قیمت ۱۵ میلیون دلار از شرکت دانمارکی شرق آسیایی خریداری کرده است (قیمت واقعی این معامله ۲۴ میلیون دلار است که توسط نشریه انگلیسی "لویدز لیست" افشاء شده است).

در این میان آن‌چه جلب توجه می‌کند، آنست که سردمداران جمهوری اسلامی با گستاخی خاصی، ادامه این سیاست افزایش وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را حرکت به سوی خودکفایی قلمداد می‌کنند!

"وجدان بیدار" امپریالیسم خبری

حمایت آشکار و بی‌پرده امپریالیسم خبری از مواضع رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی که سیاست رسمی حاکمیت را در قبال کاربرد پمپ‌های شیمیایی از جانب عراق تبلیغ می‌کنند، بار دیگر سیمای دوستان سران جمهوری اسلامی را در معرض نمایش قرار می‌دهند.

این پشتیبانی تبلیغاتی که به بقیه در صفحه ۱۳

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

در هفته‌ای که گذشت:

باقیه از صفحه ۱۷

نوبه خود رضایت خاطر نسبی امپریالیسم غرب را از پی گیری سیاست‌های خائنانه سران جمهوری اسلامی در خود دارد، هدف تحریک و تشویق جنگ طلبان جمهوری اسلامی به ادامه جنگ را نیز (تا زمانی که منافع آمریکا در منطقه قطعا تثبیت شود) دنبال می‌کند.

تردید نیست که حزب توده ایران، کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط حکومت عراق را محکوم می‌کند و در همین حال کارزار تبلیغاتی‌ای را که رهبران رژیم به منظور فریب توده‌ها به راه انداخته‌اند و از آن به مثابه محمل توجیهی "مناسبی" برای جواب گویی به گرایش‌های توسعه طلبانه و شوونیستی خود سود می‌جویند، مقایسه با اهداف انقلاب و منافع مردم می‌شناسد. روزنامه کیهان مورخ ۵ فروردین ماه ۶۲ می‌نویسد:

"... کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم عراق در جنگ تحلیلی ایران در جهان یک بار دیگر توجه وجدان‌های بشری را نسبت به اعمال پلید حاکمان بغداد به خود جلب کرده است."

ما با کمک همین روزنامه "وجدان‌های بیدار" را که در

خدمت منافع پلید خود، نفت برآتش جنگ فرسایشی می‌ریزند معرفی می‌کنیم.

- "روزنامه کنیایی "دایز" طی گزارشی به نقل از ساندی تلگراف نوشته یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا که نامش فاش نشده ..."

- "روزنامه "گلف نیوز" چاپ امارت می‌نویسد بعد از اظهار ایران مبنی بر استفاده ... آمریکا نیز اعلام نمود که شواهدی دال بر تایید ..."

- "روزنامه "پژنا" چاپ نیکاراگوئه به نقل از واشنگتن پست موضوع ... روزنامه‌های سریلانکا ... خبر مربوط به محکوم کردن عراق توسط آمریکا و نیز ..."

- "آمریکا: رادیو آمریکا در بخش انگلیسی و عربی خود ... گفت ... گاز خردل که ... "واشنگتن پست نوشت ..."

- "روزنامه یونانی "آتن نیوز" همچنین به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکان نوشت ..."

- "تلویزیون سوئد در بخش خبری خود اعلام کرد منابع رسمی آمریکا اخیرا ... از گاز خردل ..."

- "به گزارش آسوشیتدپرس هفته نامه "ساندی اپزور" چاپ لندن گزارش داد عراق علاوه بر سلاح‌های شیمیایی ... "تلویزیون ای. بی. سی.

آمریکا طی گزارشی استفاده از سلاح‌های شیمیایی ..."

بهرتر است روزنامه‌های مجاز ایران، برای تکمیل لیست دوستان جمهوری اسلامی خیز زبر را نیز اضافه کنند:

- رادیو اسرائیل ضمن گفتاری به نقل از روزنامه اسرائیلی "پدیدآهارانوت، در تاریخ ۶۲/۱/۱۲، پس از تایید مواضع جنگ طلبانه جمهوری اسلامی، ابراز عقیده می‌کند:

"... که اگر قضایا را با واقع بینی مورد سنجش قرار دهیم، اورشلیم و تهران در منطقه دارای مصالح استراتژیک مشترکی می‌باشند."

سال جدید، سال افزایش هرچه بیشتر قیمت‌ها

از آغاز سال جدید، ینابه تصویب شورای اقتصاد، قیمت برخی از کالاهای مورد مصرف عموم مردم افزایش یافت. مطابق این تصمیم، ۲۵ ریال به قیمت هر کیلو گوشت مرغ، ۱۸ ریال به قیمت هر کیلو تخم مرغ و ۵ ریال به قیمت هر پتر نوشابه اضافه شد. نرخ رسمی سیگار نیز قبلا به بسته‌ای ۱۴۵ ریال رسیده بود (و برابر قیمت قبلی). شایعاتی نیز مبنی بر افزایش قیمت بنزین و

به کار می‌برد.

اما امپریالیسم و ارتجاع ایران با شهید کردن رهبران قیام‌های مردمی آذربایجان و خراسان، نتوانستند جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران را ریشه کن سازند و اندیشه‌های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت جویانه مردم را از میان بردارند. تجلی بارز این آرمان‌ها و اهداف انقلابی در پیکار مردم ایران علیه امپریالیسم و استبداد دست نشانده آن که به سرنگونی رژیم خائن پهلوی منجر شد، بهترین گواه این مدعاست.

این درسی است که تاریخ، یک بار دیگر به حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی خواهد آموخت!

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نفت سفید در جامعه پرسر زبان‌ها بود که دولت ناگزیر رسماً آن را تکذیب کرد.

البته این تنها افزایش رسمی قیمت‌ها است. مسلماً قیمت این اجناس و بسیاری دیگر از مایحتاج عمومی مردم، به طور غیررسمی، بسیار بیش از این ارقام افزایش خواهند یافت.

علتی که از سوی مسئولین جمهوری اسلامی برای این افزایش قیمت‌ها عنوان می‌شود، عدم پرداخت سوسپید از طرف دولت برای آنهاست، طبق تصمیم شورای عالی اقتصاد، قرار است در آینده نیز، این سیاست دولت در مورد برخی دیگر از کالاهای مورد مصرف عموم به مرحله اجرا درآید.

مسئولین جمهوری اسلامی مدعی‌اند ایجاد تغییرات در زمینه پرداخت سوسپید، ظاهراً در پی تصمیم آنان مبنی بر به خودکفایی رسیدن (۱) کشور از نظر مواد غذایی صورت گرفته است. بررسی صحت این ادعاهای حاکمیت جمهوری اسلامی و افشای عوام فریبانه بودن این دلایل احتیاج به بررسی جداگانه‌ای دارد. ما در اینجا مسئله را از جنبه دیگری بررسی می‌کنیم.

در واقع هنوز جوهر بخشنامه وزارت کار در مورد جلوگیری از افزایش حداقل دستمزد کارگران و دیگر زحمتکشان، خشک نشده که تصمیم دولت جمهوری اسلامی مبنی بر افزایش قیمت کالاهای مورد مصرف عموم مردم به مرحله اجرا درمی‌آید. کارگران به خوبی به یاد دارند عمده‌ترین بهانه دولت در عدم افزایش مزد کارگران و سایر زحمتکشان، جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و مهار تورم بود.

کارگران و زحمتکشان ایران اکنون به تجربه درمی‌یابند دولت خود رسماً به عامل افزایش قیمت‌ها بدل شده است و همه "دلایل" و بهانه‌های آن در مورد عدم افزایش حداقل دستمزد کارگران، دروغ و عوام فریبی بی‌شرمانه‌ای بیش نبوده است.

این اقدام دولت جمهوری اسلامی چیزی نیست جز تحویل بازهم بیشتر بار تورم و گرانی بردوش کارگران و دیگر زحمتکشان ایران و بازگواردن دست غارتگران و سرمایه داران زالو صفت در غارت هستی و زندگی ده‌ها میلیون مردم زحمتکش و محروم جامعه ما.

به یاد قیام دلیرانه مردم ...

باقیه از صفحه ۹

آن‌ها نیز یکسان بود، علل عمده ناکامی و شکست آنها نیز متفاوت نیست.

علل اصلی شکست این قیام‌ها، اختلافات داخلی، عدم وحدت و انسجام و تشکل لازم در نیروهای انقلابی، توطئه و خرابکاری پی‌دیری نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع ایران، به ویژه دولت نیروهای تسلیم طلب و سازشکار، عدم هم‌آهنگی لازم بین بخش‌های عمده نهضت ضد امپریالیستی و رهایی بخش ملی در کیلان، آذربایجان و خراسان است.

نیروهای ضد انقلابی و محافل ارتجاعی که نمی‌توانستند خواست‌های به حق و مستقل خلق آذربایجان، به رهبری خیابانی و

مردم خراسان به رهبری کلنل پسیان را با دلیل و منطق رد کنند و در مقابل آن‌ها پیشنهاد مثبت و معقول ارائه دهند، به هتاک و ناسزا گویی توسل جستند و آن‌ها را به "تجزیه طلبی" و "عامل اجنبی" بودن، متهم کردند. در واقع حربه‌های رنگ زده و اتهامات رسوایی که امروز نیز حاکمیت خائن جمهوری اسلامی تحت عناوین "جاسوس"، "منافق"، "ملحد" و ... به عاریت گرفته و همه علیه پی‌گیرترین نیروهای انقلابی و در رأس آن‌ها پیروان سوسیالیسم علمی

۴ سال از قطع رابطه سیاسی ایران و امپریالیسم آمریکا گذشت

۱۹ فروردین ۱۳۶۳، ۴ سال از قطع رابطه سیاسی بین ایران و امپریالیسم آمریکا به دنبال تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران می‌گذرد. در این ۴ سال حوادث بسیاری بر کشور ما گذشته است و در مناسبات امپریالیسم آمریکا با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تحولات چشم‌گیری به وقوع پیوسته است.

قطع رابطه سیاسی بین ایران و امپریالیسم آمریکا، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹، عکس‌العمل شکست توطئه‌های پیاپی آمریکا و یاران آن علیه انقلاب ایران بود. مردم قهرمان ایران در جشن‌های سراسری خود که به مناسبت قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا برگزار کردند با نثار خون صدها تن از بهترین فرزندان خود در جبهه‌های نبرد با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا نشان دادند که مصمم‌ترین مبارزه را تا پایان قطعی نبرد به پیش برند.

اما رهبران جمهوری اسلامی که در آن روزها در جهت خواست‌های خلق کام برمی‌داشتند، بعد از

مدتی راه دیگری در پیش گرفتند، آن‌ها با نادیده گرفتن وعده‌های خود در قبال زحمتکشان و پشت کردن به اهداف انقلاب مردمی، ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های میهن‌ما، در همه جهات و به ویژه در عرصه مبارزه با امپریالیسم آمریکا، راه مقابله و جدایی از مردم را در پیش گرفتند.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران راه نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم تجاوزکار آمریکا را برگزید. برای جلب حمایت آن، کمونیسیم ستیزی و شوروی ستیزی را به‌شخصه سیاست خود بدل ساخت و به سیاست گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با متحدان امپریالیسم آمریکا، نظیر دولت‌های ترکیه و پاکستان به عنوان یکی از مطمئن‌ترین راه‌های نزدیکی هرچه بیشتر با آمریکا، جامعه عمل پوشاند.

رهبران جمهوری اسلامی احیاء و ترمیم وابستگی اقتصادی و در نتیجه سیاسی و نظامی ایران به امپریالیسم آمریکا را مخفیانه و به دور از چشم زحمتکشان ایران

گسترش دادند و اکنون نیز مردم به این سنت‌گیری شتاب بیشتری می‌بخشند.

رهبران جمهوری اسلامی، سرکوب خونین توده‌ای، فدایی - این بی‌گیرترین دشمنان امپریالیسم آمریکا - را بیش از پیش شدت بخشیدند و دزد برابر آن میدان را برای دوستان و جاسوسان آمریکا هرچه بیشتر می‌کشایند.

کوتاه سخن! چهارمین سالگرد قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا در شرایطی فرا می‌رسد که جمهوری اسلامی هرروز بیشتر در سیر احیاء و نوسازی و تشدید وابستگی به امپریالیسم آمریکا حرکت می‌کند و امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا با یاری خائنین به انقلاب بیش از پیش ایران را به عرصه امپریالیسم می‌بندد. توده‌های ده‌ها میلیون مردم ما که مخالف تجدید روابط گذشته با امپریالیسم آمریکا هستند، این ترفند امپریالیسم آمریکا و خائنین به انقلاب را خفنی کرده و به آنان پاسخ دندان شکنی خواهند داد.

می‌دهد.

حق اشتغال به‌کار دلخواه

ماده ۸۵، بخش ششم، فصل اول متن پیشنهادی قانون جدید کار "محول نمودن کارهای سخت و نامتناسب به زنان" را منسوخ اعلام نموده است. طبق اصول پذیرفته شده و مسلم، زنان کارگر از انجام کارهای سخت، برابر مقررات بین‌المللی معافند. ذکر کلمه "نامتناسب" که می‌تواند بنا به میل کارفرما تعبیر و تفسیر شود، دست او را در محروم کردن زنان از احراز بسیاری از مشاغل که به زعم او برای زنان "متناسب" نیست باز می‌گذارد. مقامات مرتجع جمهوری اسلامی، بارها شیوه‌های "زن ستیزانه" خود را در دعوت رسمی "برادران" به کار در کارخانه‌ها اعمال کرده‌اند. بقیه در صفحه ۱۶

حقوق ویژه زنان کارگر در

بقیه از صفحه ۸

شیرخوارگاه و مهد کودک محروم می‌کند. به موجب آمار رسمی جمهوری اسلامی از ۷۵۳ واحد صنعتی، در ۴۶۲۸ واحد آن ۱۹ نفر کارگر یا کمتر، در ۷۰۷ واحد ۲۹ - ۲۰ نفر کارگر و در ۷۰۹ واحد ۴۹ - ۲۰ کارگر به کار مشغولند. از مجموع کل واحدهای صنعتی تنها ۱۱۶ واحد ۹۹۹ - ۵۰۰ و ۱۴ واحد بیش از هزار کارگر در برمی‌گیرند. (نقل از کتاب شماره ۸۹ مرکز آمار ایران منتشره در شهریور ۶۲) واقعیت این است که تعداد واحدهایی که اکثریت کارگران آن را زنان تشکیل می‌دهند به مراتب کمتر از اینها است. به این ترتیب، فقط در کارگاه‌ها و

همبستگی کارگران

بقیه از صفحه ۱۰
"اتحادیه کارگری کارخانه تالپوت" در شهر کاونتری صورت گرفت. در مورد وضعیت کارگران و زحمتکشان در ایران، بحث و گفتگو به عمل آمد. در این ملاقات از سوی مسئولان اتحادیه، اطلاعات جالبی در رابطه با صادرات کارخانه تالپوت به ایران عرضه شد، از جمله گفته شد در حال حاضر بخشی از کارهای مربوطه در وینز (منطقه غرب بریتانیا) انجام می‌گیرد و سپس محصولات از آنجا پارگیری شده و از طریق ترکیه به ایران ارسال می‌شود. ایران نیز به مناسبت های گوناگون، افراد بسیاری را به "کاونتری" اعزام می‌دارد.

بیرامون سیاست

بقیه از صفحه ۵
حساسیت نشان داده‌اند؟ آخر توده‌ای‌ها، هم‌زمانشان در راه تحقق یک امر مشترک‌اند. و نه آن طور که شما نوشته‌اید، به خاطر "مسکوگرایی" بلکه به این دلیل که طی ده‌ها سال با سرسختی در مواضع دفاع از منافع زحمتکشان ایستاده‌اند.

بدین ترتیب به آنجایی بازگشتیم که گفتگو را آغاز کردیم - به مسئله منافع خلق ایران. اگر از این نقطه نظر درباره سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران داوری کنید، تردیدهای شما برطرف خواهد شد.

تصحیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان گرامی، اغلاط چاپی نوشته "هفت خوان عشق" مندرج در شماره ۸۵ "راه توده" به ترتیب زیر تصحیح می‌گردد:
در صفحه ۶ - ستون دوم - سطر ۶ - کشیده: "من این"
صفحه ۶ - ستون سوم - سطر ۲ - با سری پرشور و
صفحه ۶ - ستون چهارم - سطر ۱۰ - انتخاب کتاب درسی
صفحه ۶ - ستون چهارم - سطر ۱۷ - درسی گرفته
و صفحه ۱۰ - ستون اول - سطر ۴۷ - که چون شهابی ... صورت درست عبارت هستند.

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

امدادهای غیبی فعالیت تشکیلاتی

زندانیان سیاسی بلافاصله پس از بازداشت فرم خاصی را پر می‌کنند که باید به پرونده آنها سنجاق شود. اما از آنجا که اغلب پرونده‌ای در کار نیست، در نتیجه این فرم‌ها هم به هیچ جا سنجاق نمی‌شوند. یکی از این فرم‌ها از طریق "امدادهای غیبی" به دست ما رسید که عینا به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

برگه مشخصات زندانی
شماره: ۵۷۲۴۵

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۶۰

(توجه: این فرم را با خط خوانا پر کنید. کوچک‌ترین قلب یا تحریف وقایع جرمی معادل مفسد و محارب محسوب می‌شود).

نام و نام خانوادگی: صفرعلی دشت میشانی
نام پدر: کر بلائی حسین

سن: ۴۸ سال.

آیا متاهل هستید؟

جواب: بله.

تعداد اولاد: هفت سرقد و نیم قد.

شغل: قصاب.

س: آیا با سازمان یا گروهی ارتباط داشته‌اید؟
جواب: بله.

س: چه مدت سابقه فعالیت سازمانی دارید؟
جواب: ۱۲ سال.

س: چه مدت مواد آرساده برده‌اید؟
جواب: حدود ۱۵ سال.

س: آیا طی درگیری دستگیر شده‌اید؟
جواب: بله.

(در صورتی که جواب سلوال آخر مثبت است به سلوالات زیر پاسخ دقیق بدهید):

۱- محل درگیری کجا بود؟
جواب: صف جلوی قصابی خودمان.

۲- انگیزه درگیری چه بود؟
جواب: برادر پاسداری می‌خواست خارج از نوبت گوشت بگیرد ما هم درگیر شدیم.

۳- آیا طی درگیری به کسی آسیب رسید؟
جواب: بله، گوش راست برادر پاسدار قطع شد.

۴- چه اسلحه‌ای به کار بردید؟
جواب: به ما تهمت زدند که ما ساطور به کار بردیم اما به ابوالفضل قسم که ما با دندان خودمان کندیش.

س: آیا از فعالیت خود نادم هستید؟
جواب: بله، ما شرم‌نده و پشیمانیم.

نام کامل سازمانی که با آن رابطه داشتید بنویسید.

جواب: سازمان گوشت کشور!

محل امضای زندانی:

توضیح: در حاشیه همین فرم با خط خردچنگ قورباغه "برادرانه‌ای" در تاریخ اسفندماه ۱۳۶۲ نوشته شده است: جهت استحضار جناب حاکم شرح در نوبت قرار گیرد.

در جمهوری اسلامی خواندن روزنامه‌های آزاد نیز جرم است

به کار بردن "تعزیر" و "تقتیل" شیوه‌های معمول در "دانشگاه" اوین!

بقیه از صفحه ۱

حداقله‌های تهنه، تحویل مسئولین "لعنت آبادها" می‌دهند و با پوزخندی کرامت آمیز به خانواده‌های دردمندشان می‌گویند: "خودکشی کرد!" ... آقای موسوی بجنوردی، عضو شورای عالی قضایی، در یک مصاحبه رادیوتلوویزیونی می‌گوید: "مقدمتا عرض کنم ما در اسلام زندان به معنای شکنجه یا اینکه انتقام نداریم..." (رادیو ایران - ۷ فروردین). بلکه به اعتبار گفته مراجع قضایی، "تعزیر و تقتیل داریم" که در اسلام مجاز است.

"... زندان در اسلام کیفر که تشریح شده، برای اصلاح افراد است. اینها بر اثر معاصی، نفسان آسوده شده است ... آنجا آموزشگاه است. در واقع، نفس کثافتهایی که در مغز راسخ شده، آن آموزش‌های صحیح که در زندان‌های ما داده می‌شود، آن کثافات مبدل می‌شود به نورانیت" (۱) و باز هم به اعتبار اعترافات سران حاکمیت، این آموزش‌های صحیح "با زور" انجام می‌گیرد:

"و اگر بعضی جاها خطایی بشود و خلافی بشود ما متوجه می‌شویم و با قاطعیت جلوی آن‌ها را می‌گیریم..." (۱) عوام فریبی، برای همیشه کارایی ندارد، مردم می‌دانند که اجازه اعمال و ارتکاب این "خطاها" و "خلاف‌ها" به وسیله "دستورالعمل" شورای عالی قضایی که آقای موسوی عضو برجسته آنست، در همه ایران مجاز شمرده شده است.

پیوندهای انسانی" قالب بزنند و "وظیفه (آن‌ها) را همانند بیمارستان‌ها، وظیفه درمان روحی - اخلاقی زندانیان" وانمود سازند. همه این وظایف انسان‌سازانه" که حاکمیت جمهوری اسلامی، تنها قادر است در زندان‌ها و در پناه دیوارهای بلند اوین و کمیته مشترک و قزل‌حصار و ... بدان جامه عمل ببوشاند، تنها به کمک اعمال شکنجه‌های هستی‌سوز و طاقت شکن قرون وسطایی و مدرن، جسمی و روانی، با کمک "زور" به اجرا در می‌آید. اعتراف سران حاکمیت، خود گویای بارز این امر است!

"مانی‌خواهیم افراد در زندان با زور معتقد به اسلام و جمهوری اسلامی شوند" (رادیو ایران - ۱۵ فروردین). ولی امروز، همه کس می‌داند که تنها با تکیه بر اهرم "زور" است که جلاد اوین، قدر قدرتی خود را به نمایش می‌گذارد و با وقاحت اعلام می‌کند هر کس "را به ما تحویل بدهند، در عرض سه ماه انسانش می‌کنیم."

دوخیمان جمهوری اسلامی نه به انسان‌های واقعی، بل به "انسان" هایی از قماش خود احتیاج دارد. به دست پروردگانی که وحشیانه و شیانگانه به‌خانه‌ها پرورش می‌برند، زنان و مردان سپید موی را به حد کشت شکنجه می‌کنند، اطفال بی‌گناه را برای "اقرارگیری" در دخمه‌های نمور و تاریک به بند می‌کشند، مبارزین سرسخت را با بدن‌های درهم کوفته، میان پایهای سوخته، آرواره‌های شکسته و

"کوشی" صورت گرفت تا در چارچوب یک "دستورالعمل" فعالیت‌های قانونی، پربار و هم‌سویا منافع مردم و آرمان‌های انقلاب توده‌ای‌ها را به مثابه "جرم" رسمیت بخشد. براساس این "دستورالعمل" ضدقانونی، بسیاری از توده‌ای‌ها را به "اتهام" مبارزه با "ضدانقلاب جهانی" افشای "ملاکین و خان‌ها"، فعالیت علیه "ضدانقلاب داخلی"، "اجرای قرارهای تشکیلاتی"، "پرداخت حق عضویت" و ... به پای میز "محاكمه" کشیدند و به زندان‌های طویل‌المدت محکوم کردند. برحسب مفاد کیفرخواست تنظیمی از جانب دادستان‌های بیدادگاه‌های تهران و شهرستان‌ها، حتی خواندن و پخش روزنامه‌های آزاد نیز "جرم" تلقی شده است.

رسوایی این اعمال جنایت بار که "بدبینی" مردم را نسبت به "جمهوری اسلامی" و مقام معظم رهبری انقلاب به همراه داشته است تا بدان جاست که سران حکومت اعلام می‌کنند: "آن چه من معتقدم ... این است که نباید افراد هواهاری که از روی احساسات چیزی گفته و یا نشریه‌ای خوانده و یا منتشر کرده‌اند را در زندان نگاه داریم" (رادیو ایران - ۱۵ فروردین).

"زندانی" که زندانیانان جمهوری اسلامی می‌کشند آن را به عنوان "مراکز اصلاح و بازسازی انسان، انسان سازی، تعلیم، تربیت، تهذیب، تزکیه، آموزش حرفه و فن و تحکیم



موفقیت های اقتصادی سوسیالیستی

در اطلاعیه بخش آمار شورای همکاری متقابل کشورهای سوسیالیستی که چندی پیش منتشر شد گفته می شود سومین سال برنامه پنج ساله کشورهای سوسیالیستی، برای اقتصاد جامعه جهان کشورهای سوسیالیستی بی اندازه موفقیت آمیز بوده است.

در اطلاعیه دبیرخانه بخش آمار آمده است که افزایش متوسط سالانه درآمد ملی حدود ۵٪، بیش از سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ بوده است. میزان محصولات کشاورزی هم تقریباً به همین اندازه رشد کرده است و افزایش تولیدات صنعتی دوبرابر آن است.

کام های بزرگی در زمینه بازدهی کار، به پیش برداشته شده است، بیش از ۹۰٪ رشد محصولات صنعتی بر اثر این عامل به دست آمده است. تکنولوژی تازه و تکامل سازماندهی کار به صرفه جویی اقتصادی برابر با کار چهار میلیون نفر منجر شده است.

به طور کلی تعداد کارکنان مشاغل در صنایع ۴ دهم درصد رشد کرده در حالی که میزان محصول سربانه تولید شده توسط یک کارگر یا کارشناس، ۲۷٪ افزایش نشان می دهد.

آنجا که قهر طبیعت مقهور انسان می گردد

دانشمندان شوروی توانسته اند با استقرار دستگاه های اندازه گیری دقیق در بخش زلزله خیز آسیای مرکزی، به موقع حتی از وقوع تکان های خفیف زمین که مقدمه زلزله های سنگین تر است، آگاه گردند و وسایل لازم را برای مقابله سریع با ضایعات و خسارات بعدی فراهم آورند.

پژوهشگران شوروی در ماه ژانویه موفق به ثبت تکان های خفیف زمین در دره فرغانه (واقع در تاجیکستان) شدند. روز ۱۸ فوریه نخستین زلزله جدی و نگران کننده رخ داد. در شب ۲۹ اسفند در شهر قزلی واقع در ازبکستان چنان زلزله ای به وقوع پیوست که شهر را به کلی ویران ساخت معجزاً مطلقاً تلفات جانی به بار نیاورد زیرا پیش از آن، مردم به مکان های امنی منتقل شده بودند.

به طوری که رسانه های گروهی غرب گزارش می دهند بلافاصله پس از وقوع زلزله تعداد و مقدار کافی چادر، پوشاک و خوراکی که طبق پیش بینی قبلی تدارک شده بود در اختیار اهالی شهر قرار گرفت.

۴۸ ساعت پس از وقوع زلزله بهره برداری عادی از حوزه های بزرگ تولید گاز ادامه یافت.

طبق گزارش مجله "طبیعت"، کمپرسورهای انتقال گاز به ذو بزرگی لوله، قاره ای که وسیله انتقال، گاز از بخش آسیایی اتحاد شوروی به اروپای مرکزی است، براساس پیش بینی های علمی فراهم آوردن تدارکات ضروری فقط چند ساعت متوقف شد. آن نظام اجتماعی که از مردم باشد در فکر مردم است. در چنین نظامی مردم حتی از عواقب بلایای محتمل طبیعی نیز در امان اند.

جالب اینجاست که این شهر، با مرز ایران بیش از چند صد کیلومتر فاصله ندارد و مردم زمختش و محروم ما که مال و جان و دام هایشان چندی پیش طعمه سیل شد هنوز با آثار شوم این بلیه طبیعی دست به گریبانند.

مواد سمی

یافضولات زنبورهای عسل؟!!

اخیراً وزارت امور خارجه آمریکا پاریدیکر مدعی شد گویا در جنوب شرقی آسیا از مواد سمی ساخت شوروی استفاده شده است. سخنگوی وزارت امور خارجه بازم عقیده رسمی واشنگتن را درپاره بارانهای زرد تکرار کرده. این خبر در زمانی منتشر شد که دو دانشمند نامی و معتبر آمریکایی، این ادعای بی اساس را تکذیب کردند. این دانشمندان آمریکایی پس از تجزیه نمونه هایی که از محل برداشته بودند به این نتیجه رسیدند نمونه هایی که واشنگتن تلاش می کند به عنوان مواد سمی جلوه گر سازد در واقع فوضولات زنبورهای عسل وحشی است!

"یا ما بمب اتمی را نابود می کنیم" یا بمب اتمی ما را نابود می کند

در دور جدید گفتگوهای تلویزیونی میان دانشمندان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا که چندی پیش برگزار شد، پرفسور سرگی کاپیتسا در آغاز سخنان خود گفت: خطر انفجار جنگ هسته ای در مرکز توجه محافل اجتماعی اتحاد شوروی است.

این گفتگوی تلویزیونی بلافاصله پس از پایان کنفرانس علمی در آمریکا برای بررسی عواقب جهانی یک جنگ هسته ای سازمان داده شد.

سرگی کاپیتسا خاطر نشان ساخت در جنبش جلوگیری از فاجعه هسته ای بسیاری از دانشمندان و پزشکان شرکت دارند زیرا آنان بهتر از دیگران می توانند ارزیابی کنند یک جنگ هسته ای چه خطراتی دارد و پیامدهای آن چیست.

شرکت کنندگان در گفتگوی تلویزیونی در این واقعیت اتفاق نظر داشتند که اگر آتش جنگ هسته ای روشن شود، موجودیت تمام بشریت به مخاطره می افتد.

کارل ساگان دانشمند آمریکایی هنگام گشایش مباحثات تاکید کرد که:

"حتی اگر مقدار کمی جنگ افزار هسته ای به کار برده شود، پیامدهای آن حتی برای کشورهای که دور از مراکز درگیری هسته ای واقع شده اند، فاجعه آمیز خواهد بود."

حقوق ویژه زنان کارگر در پیش نویس...

بقیه از صفحه ۱۴

و می کنند. زنان کارگر ایران، احقاق حقوق طبیعی خود در انتخاب کار و ایجاد امکانات لازم برای کسب مهارت فنی و ارتقای شغلی را می طلبند. این خواست برحق زنان کارگر تاکنون از طرف مسئولین جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده است.

کارگران ایران، از جمله برقراری بینه فرزندان زنان کارگر را خواستارند. فرزندان زنان کارگر باید از حق بیمه و تأمین اجتماعی برخوردار شوند. سنوات خدمت و سر بازنشستگی زنان کارگر باید حداقل ۵ سال کمتر از مردان تعیین گردد. تأمین تسهیلات رفاهی ا جمله سرویس رفت و آمد، محل برای استراحت و ورزش، رخت کن و حمام و ... باید برای کارگران از جمله کارگر زن الزامی باشد. زنان کارگر در دوران بارداری تحت مراقبت پزشکی قرار گیرند.

زنان کارگر و زحمتکش میهن ما، برای تحقق خواست های ویژه خود، از پشتیبانی بی دریغ همه کارگران برخوردارند. طبقه کارگر قهرمان میهن ما چون تنی واحد در عرصه این نبرد بزرگ اجتماعی ایستاده است و با نیروی اتحاد خود، راستگرایان حاکم را در تحمیل قانون کار مدافع منافع سرمایه داران، ناکام خواهد گذارد.

کمک مالی به

حزب توده ایران،

یک وظیفه انقلابی است!

رفیق بامداد (فرانسه)

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کرد

RAHE TUDEH

No. 87

Monday, 9 April 84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

راه
توده